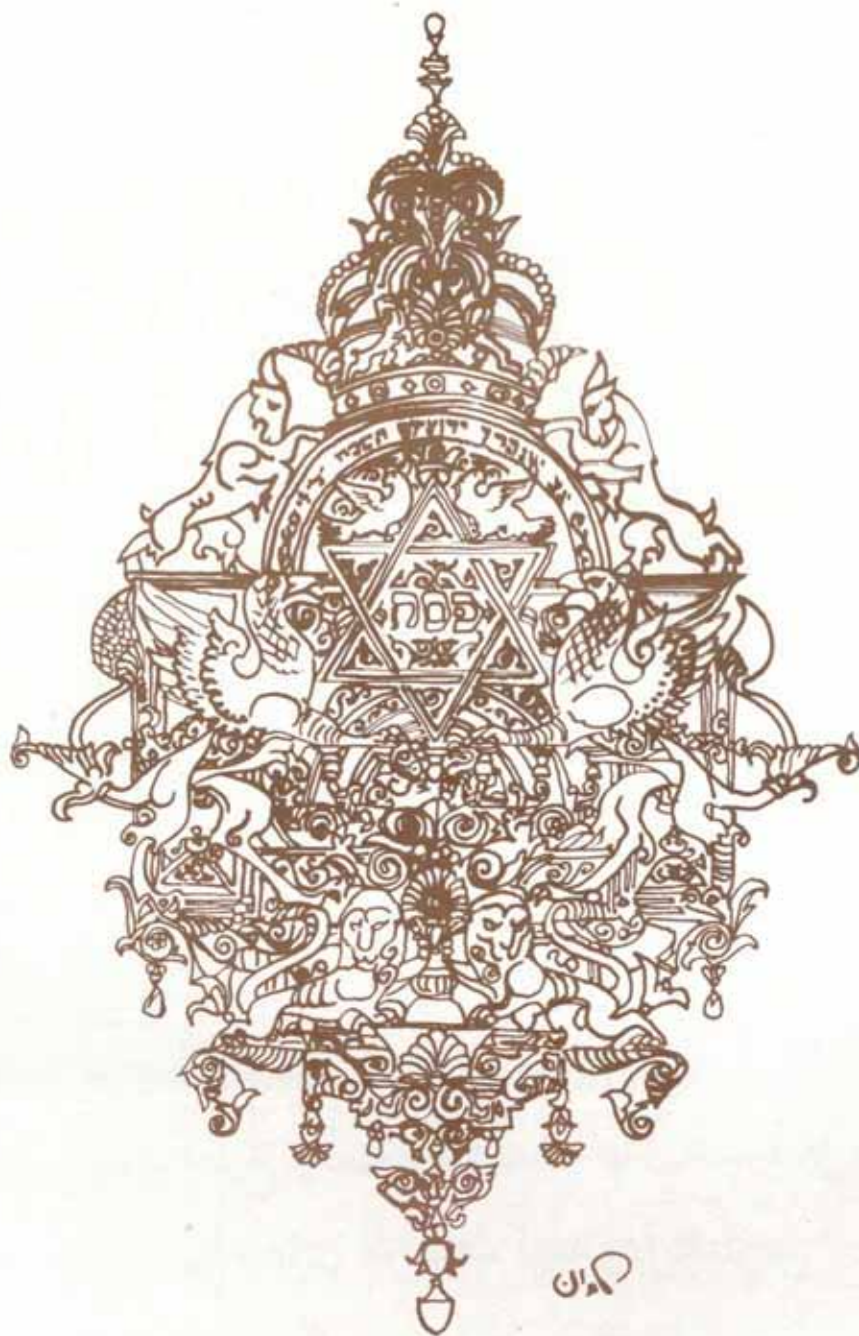


فدراسیون یهودیان ایرانی

شופار
شوفار
SHOFAR

Iranian Jewish Federation

سال دوم - شماره ۲۴ - آوریل ۱۹۸۴ - اردیبهشت ۱۳۶۳ - نisan ۵۷۴۴



پ.ان

Z. A. D. TRADING CO.
GENERAL IMPORT & EXPORT CO.

P.O. Box 480400 • LOS ANGELES, CALIF. 90048, U.S.A.

Showroom & Sales:
The L.A. Mart Bldg. Suite 368
1933 S. Broadway
Los Angeles, CA 90007
Ph: (213) 748-2270

مجلل ترین مبل از بزرگترین کارخانجات ایتالیا و مبل های
استیل و صدف کاری از کارخانجات چین
همچنین بهترین تایل برای دیوار و کف ساختمان



سفارشات شما در اسرع وقت و با قیمت های غیر قابل رقابت
طبق نمونه های موجود، تهیه و در دسترس
مشتریان عزیز قرار می دهیم.

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730
(213) 655-7731

شوفار

سال دوم

اردیبهشت ۱۳۶۳

آوریل ۱۹۸۴

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

مدیراداری: الیاس اسحقیان
مشاور فنی و هنری: کامران خاورانی
باهمکاری شورای نویسندگان

• نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برای یگان در اختیار شما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ میشوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.
• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

۱/۱ صفحه	۵۰ دلار
۱/۶ صفحه	۸۵ دلار
۱/۲ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۲ صفحه	۱۵۰ دلار
یک صفحه کامل	۲۵۰ دلار
پشت جلد	۳۵۰ دلار



مسئول آگهی ها:
شرکت کتاب

(213) 99 KETAB
995-3822

جنوب کالیفرنیا
۶۷۶۶-۶۹۷ (۴۱۵) شمال کالیفرنیا



یادداشت ماه



فرارسیدن عید پسخ، عید آزادی، عید سرور و شادمانی و عید همبستگی ملی رابه همه برادران و خواهران خود در سراسر جهان بخصوص برادران و خواهران همکیش خود در ایران تبریک می گویم و آرزو مندیم که سال جدید سال صلح و آرامش برای کشور ما باشد. در میان همه اعیاد یهود عید پسخ از مقام و امتیاز برجسته تری برخوردار است، زیرا این عید بیانگر عالیترین فلسفه مذهب یهود یعنی کمک به هم نوع و وابستگی افراد این قوم به یکدیگر است. در شب های سدرمی خوانیم «هرکس گرسنه است بیاید با ما یا شامد و هرکس غریب است بیاید با ما این جشن را برگزار کنند». و این همان فلسفه بنیاد اخلاقی و پیوند ناگسستنی است که قوم یهود را در سراسر تاریخ پرنشیب و فراز و مخاطره آمیز آن حفظ کرده است.

بیش از سی و سه قرن پیش موسی این انسان برتر و والا تر از همه اعصار و قرون درقبال فرعونان زمان قد برافراشت و اولین نهضت مقاومت درقبال ستمگران و بیدادمنشان را پایه گذاری کرد. او با فریادی رسا از فرعون مالک الرقاب قسمت بزرگی از جهان تمدن آنروز خواستار شد که به بردگی ملتی خاتمه داده شود و به آنان این حق داده شود که به سرزمینی که مایل به سکونت و اقامت در آن هستند بروند. متاسفانه پس از در حدود سی و سه قرن هنوز هزاران تن از برادران و خواهران مادر بسیاری از کشورهای جهان از این حق که ابتدایی ترین حقوق بشری است محرومند. هم اکنون در روسیه شوروی ده هاتن از بهترین افراد ملت مافقط به جرم اینکه تقاضا کرده اند به برادران و خواهران خود در سرزمین اجدادی بپیوندند به زندان های طولانی و تبعیدگاه های سبیره روانه شده اند و هزاران هزارتن دیگر به همین جرم از کار بیکار و در شرایط بسیار سختی بسر می برند. فدراسیون یهودیان ایران همراه و همگام با همه سازمان های یهودی جهان مصرأ تقاضا می کند که خواهران و برادران زندانی و تبعیدی مادر شوروی آزاد شوند و بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه کنفرانس هلسینگی به آنها و سایر افرادی که تقاضای خروج کرده اند اجازه خروج از شوروی داده شود. ما همچنین خواستاریم که هزاران تن از برادران و خواهران ما که در کشورهای نظیر سوریه و یمن از حق خروج آزاد برخوردار نیستند و بیش از چند دهه است که با محدودیت و فشارهای طاقت فرسای روبرو هستند بتوانند بهر جا که مایلند عزیمت نمایند.

ما مطمئنیم که بزرودی آن زمان فرا خواهد رسید که همه افراد ملت در همه نقاط جهان خواهند توانست این عید را با شادمانی و شادکامی پذیرا شوند و مراسم آنرا در محیطی مملو از صفا و صمیمیت و آزادی و بدون هیچ گونه دغدغه و تشویش برگزار نمایند.

نکاتی چند درباره شب سیدر



راوداوید شوفط

درزندگی احساس تعلق کنند، احساس کنند که قسمی از یک جامعه بزرگ اند و پذیرفته شده اند، آنوقت به آرامش خاطر و امنیت دست یافته اند. وقتی که انسانی عضوی از یک گروه قوی، گروه همفکر، و یاهم تجربه باشد، دراو احساس امنیت بوجود می آید و مطمئن است که در برابر صعوبات و خسارات جسمانی، عاطفی و روانی مصون است.

این اتفاقی نیست که پسر درمیان خانواده و بصورت گروهی جشن گرفته می شود، چون پسر بیانگراین است که «من دیگر غریب و بیگانه نیستم، بلکه فردی از یک ملت بزرگ و جاویدانی، دارای تجربه تاریخی و اجتماعی و خاطرات یکسان که مرا با دیگر همتایانم پیوند می دهد، می باشم. ارتباط از طریق خاطرات یعنی پیوند تداوم تاریخ ملت یهود.

با توجیه این نکته حال بخوبی علت طرد فرزند شیررادر «هکادا» می توانیم درک کنیم. در هکادا از چهار نوع فرزند صحبت می شود، عاقل، شیر، ساده لوح و فرزندی که نمی داند چگونه سؤال کند. هکادا سؤال فرزند شیر را چنین مطرح می کند: این کارهای شما زبهر چیست؟ در زبان عبری «عودا» کار دارای دو معناست: یکی عبادت و طاعت الهی و دیگری عملی که با آکراه، اجبار و باعنف انجام شود. لحن سؤال این فرزند مملو از ریشخند

سدر به معنای نظم و ترتیب است و بیانگراین که در دوشب اول و دوم پسر مراسم بانظم و ترتیب بوسيله جشن گزاران انجام می شود. این مراسم شاید قدیمی ترین رسوم رایج در اجتماعات انسانی باشد، چون قدمت بعضی از آنها به دوهزار و پانصد سال قبل می رسد. سدر تنها یک تاریخ گذشته نیست، بلکه دوباره آفریدن گذشته از طریق مراسم و اعمالی است که، در این دوشب بجای آوریم. بدینوسیله بصورت فعال، خود را در راهی و آزادی اجداد خویش از مصر سهیم می گردانیم. اما بدلیل آنکه ما از نعمت آزادی برخورداریم، از اهمیت آن بمشال اهمیت هوا برای تنفس، آگاه نیستیم. این شب موقعیتی طلایی برای یادآوری این حقیقت مهم را در اختیار مامی گذارد. می گویند سربازی بعد از مدت مدیدی که در اسارت و زندان دشمن بسر برده بود آزاد شد و به وطن خود بازگشت. در جمع دوستان و آشنایان از او پرسیدند: «وقتیکه اسیر بودی، به چه چیز بیش از همه فکرمی کردی؟» سرباز جواب می دهد: «در خلوت تنهای ام همیشه در این فکر بودم که آیا به هنگام آزادی من شایستگی و لیاقت آزادی را خواهم داشت یا خیر؟»

ما مشب از طریق سدر خود را مورد ارزش یابی قرار می دهیم که آیا لیاقت این آزادی و استفاده صحیح و منطقی از آنرا داریم یا خیر؟ زیرا گذشته است که معنا و مفهوم به حال می دهد. به همین دلیل در هکادا تاکید می شود: «در هر نسل و دوره ای هر یهودی باید خود را چنین بینداند که شخصاً در مصر برده بوده و آزاد شده است.»

یکی از آیات تورا که بارها در موارد مختلف تکرار می شود و بازگوکننده جو اجتماعی پسر است این چنین است: «... زیرا که در سرزمین مصر بیگانه بودید» بخاطر بیاور که در این سرزمین غریب بودی. دلیل تاکید این است که شاید ناگوارترین جنبه زندگانی انسان ها در غربت زیستن و بیگانه بودن در سرزمین دیگران است. در هر فرهنگ و زبان واژه بیگانه کلمه ای بسیار تکان دهنده است و شونده را تحت تاثیر قرار می دهد. بیگانه بودن یعنی تنها و جدا بودن، حتی بمرگ نزدیک بودن، از طرف دیگر انسان ها وقتی

و مسخره است که حاکی از طرز تفکر و رابطه منفی او با این رسوم و آیین دیرینه است اما این توجیه و تفسیر کافی بنظر نمی رسد زیرا که در ادامه مطلب آمده است: «و چون او خود را از دیگران، از جامعه، جدا کرد» پس یکی از مهم ترین اصول و پایه های مذهب رازیر پا گذاشته است. هکادا طرز تفکر و رفتار چنین فرزندان را توبیخ می کند، با اینکه از سستی ایمان و باورهای فرزند شیر و یاعدم رعایت قوانین مذهبی، و یا از سایر صفات نکوهیده او چیزی بمانی گوید معذرت بزرگترین خطای او را هکادا سهیم و شریک نبودن در سر نوشت و آینده ملت خویش می داند.

تورا از هر یهودی وفاداری و وابستگی به ایمان، جامعه و ملت خود را خواستار است، زیرا وابستگی به آرمان های مذهبی و قومی است که بر اورسالتی تاریخی و همیشگی نهاده و در انتظار تحقق یافتن آنهاست و چه خوب حضرت یسعیا در فصل چهل و دوم کتاب خود این نکته را بیان می کند:

چنین فرمود قادر مطلق!

خدا که آفریننده آسمان و گستراننده آنست،

که زمین و نتایج آنرا می گستراند،

که نفس را بر میدی که شایسته است

و روح را بر آنهایی که در آن سالکند عطای فرماید:

من هستم خدا! که ترا بعدالت فراخواندم،

دست ترا گرفتم و ترا محافظت کردم.

و تو برای عهد قومی، برای نورمل تعیین کردم

تا چشم کوران را بگشایی

و امیران را از زندان، ظلمت نشینان را

از حبس بیرون آوری

حضرت یسعیا

فصل ۴۲ آیات ۵ - ۷

انتخابات کنیسی نصح یسرائل



ثریا افرا، خانم ایران پورات، خانم استر بروخیم، آقای دکتر جک بهفرین، آقای لطف اله حی، آقای عبدالله زرگریان، آقای دکتر داود فروزان پور، آقای جمشید کشفی، آقای دکتر موسی نگاران، آقای نوراله نوروش، آقای نصیر محبر، و آقای پرو یزیدیهیون.

سیصد و نود و دو نفر در این رأی گیری شرکت کردند.

انتخابات هیئت مدیره جدید کنیسیای نصح یسرائل در شب یکشنبه هجدهم مارچ ۱۹۸۴، بعد از قرائت مقیلاً انجام پذیرفت. خانم ها و آقایان زیر بعنوان هیئت مدیره جدید کنیسیا و مدرسه نصح یسرائل انتخاب گردیدند که اسامی آنها بترتیب الفبا بدین قرار است:

آقای دکتر پرو یز اخوت، آقای مهندس عنایت الله ابریشمی، آقای مهدی ایلولیان، خانم



دورنمای تحولات اخیر در اوضاع سیاسی خاورمیانه

از جنگ ایران و عراق که بگذریم، سرانجام لبنان به خواستهای سوریه تن درداد و قرارداد عقب نشینی نیروها را که با اسرائیل امضا کرده بود لغو نمود. بدنیال آن کلیه نیروهای پاسدار صلح آمریکا، انگلیس، ایتالیا و بالاخره فرانسه از لبنان خارج شدند.

سوریه موفقیت خود را در لغو قرارداد لبنان و اسرائیل جشن گرفت و حتی غرور ناشی از موفقیت او را ادا کرد که چند روز بعد به مصر هم پیشنهاد کند قرارداد کمپ دیوید را با اسرائیل لغو نماید.

ضمن آنکه موفقیت سوریه به اعتبار امریکادری کشورهای خاورمیانه لطمه شدیدی وارد کرد و کشورهای منطقه مانند اردن برای مصرف داخلی سیاست خشنی را در مقابل آمریکا پیش گرفتند، ولی چنین بنظرمی آید که شکست آمریکا در لبنان و خارج شدن نیروهای پاسدار صلح از این کشور چندان برای سوریه هم ارزان تمام نخواهد شد.

پس از لغو قرارداد لبنان و اسرائیل، حافظ اسد اجباراً با مسیحیان لبنان نزدیک شد و از حمایت در بست و یکجانبه خود نسبت به مسلمانان و در درجه اول دروزیهها و سپس شیعیان لبنان کاست تا آنجا که در کنفرانس لوزان رئیس جمهور لبنان و دیگر رهبران مسیحی این کشور

فرصت یافتند سیاست عدم انعطاف خود را تشدید کنند و در نتیجه کنفرانس بدون کوچکترین نتیجه ای پایان یافت و مذاکرات بعد موقوف شد.

سیاست جدید سوریه سبب شد جمیلاط رهبر دروزیهها که همیشه در مقایسه با جمعیت اندک دروزی لبنان چشم داشت زیادی برای بدست آوردن قدرت داشته باشد و از حمایت نامحدود سوریه در تامین اسلحه و سایر وسایل مورد نیاز برای جنگ های داخلی لبنان استفاده می نمود، در موقعیت خفیفی قرار گیرد تا آنجا که سنی های بیروت برای بیرون راندن طرفداران او از غرب بیروت به شدت عمل متوسل شدند و مخالفتش او را به همکاری با اسرائیل متهم کردند.

از طرف دیگر رهبر شیعیان غیر افراطی که پس از انشعاب شاخه افراطی اهل طرفدار ایران، به مقام رهبری این گروه رسیده و از آغاز شروع رهبری خود با واقع بینی بیشتری به قضایا می نگریست اکنون در پی فرصت برای ادامه مبارزه قدرت به سبک خود می باشد. این شخص که تحصیل کرده امریکاست و طبق گزارش روزنامه های امریکایی همسر و فرزندان او هنوز در امریکا زندگی می کنند توانسته است شیعیان لبنان را که از انقلاب ایران حمایت نمی کنند بدور خود گرد آورد و یک دستگاه رهبری غیر وابسته واقع بینی در برابر نیروهای سیاسی لبنان ایجاد کند. بهرحال با وضعی که در لبنان پیش آمده

اکنون دیگر نوبت سوریه است که با کابوس وحشتناک این کشور درگیر شود. کاستن از حمایت یک جانبه از مسلمانان لبنان و تفرقه اجباری آنان بهار بسیار گزافی است که سوریه باید بپردازد تا از مرآن بتواند نوعی ثبات سیاسی را در این کشور بوجود آورد تا فرصت یابد به مسایل داخلی خود رسیدگی کند.

از جمله مشکلات عظیمی که سوریه با آن درگیر است در درجه اول وضع مزاجی حافظ اسد و رقابت شدیدی است که برای جانشینی او بین برادر حافظ اسد و سایرین بوجود آمده است.

این مشکل همراه با یک بحران قدیمی که ناشی از اکثریت سنی محکوم و اقلیت شیعه علوی حاکم است بحران لایتنحلی را در سوریه بوجود آورده است که غلبه بر آن برای رئیس جمهور کشور در حال حاضر بسیار مشکل است. پس از آنکه اسد ماهها بعلمت بیماری قلبی از صحنه سیاست بدور بود و اکنون پس از برگزیدن سه معاون برای کمک به او مسلم شده است که برای مدت طولانی قادر به ادامه کار نخواهد بود، بین سنی های کشور به رهبری عبدالعلیم خدام وزیر خارجه سابق و برادر حافظ اسد که ضمناً ریاست سازمان امنیت کشورش را بعهده دارد، رقابت شدیدی درگیر شده است.

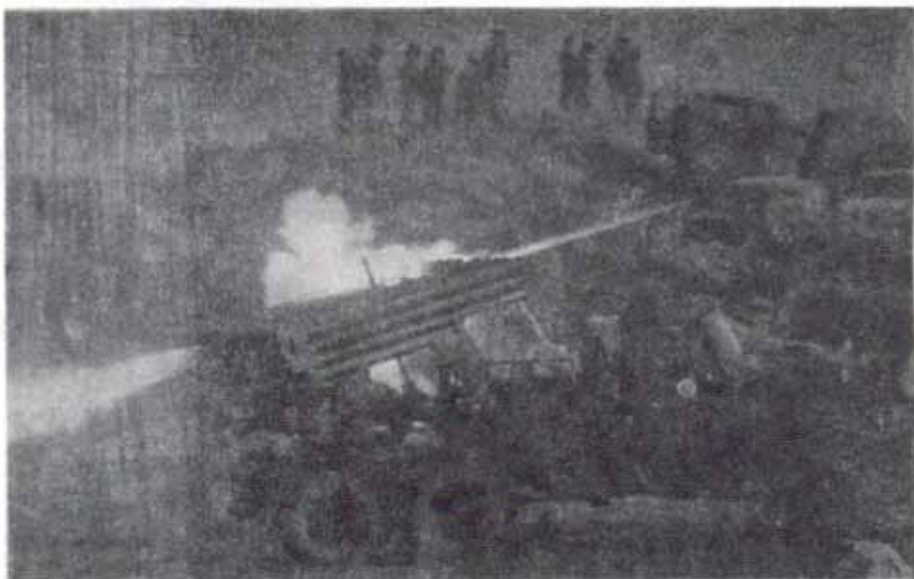
به گزارش مطبوعات امریکارفت اسد حتی در میان اقلیت شیعی کشور طرفداران زیادی ندارد و فعلاً بین رهبران علوی نیز جدال و رقابت سختی درگیر است و هر چه زمان می گذرد بحران مذهبی سوریه وخامت بیشتری پیدا می کند.

از این جهت سوریه که باتب بحران های سیاسی و اقتصادی داخلی دست بگریبان است توانایی مواجهه با زد و خورد های قومی لبنان را ندارد و در واقع مسئولیتی را که بعهده گرفت بزرگتر از توان خود تشخیص می دهد و اکنون باید منتظر ماند و دید که سوریه این کابوس را چگونه تحمل خواهد کرد.

بی ثباتی اوضاع در خاورمیانه با انحلال پارلمان اسرائیل و لزوم انجام انتخابات پیش رس بالا گرفت. اسرائیل بعلمت مشکلات داخلی و فشار مالی ناشی از نگاهداری نیروهای خود در لبنان که روزانه بیش از ۱/۵ میلیون دلار منابع این کشور را می بلعد در وضعی قرار گرفته است که ناچار باید در انتظار بود تا احتمالاً دولت دیگری با انعطاف بیشتر نسبت به مسایل موجود بر سر کار آید. متأسفانه اوضاع خاورمیانه وضع جدید در اسرائیل با سال انتخابات در امریکا همراه شده است و گرچه هر دو کشور انتخابات جدیدشان تا اواخر سال ۱۹۸۴ بطول خواهد انجامید هر گونه اقدام جدیدی که بتواند گرهی از مشکلات موجود بکاهد به صبر و بردباری زیاد نیازمند است.

آزمایش خطرناک در جنگ ایران و عراق

از پیروز



سربازان ایرانی، قربانیان باران زرد که به بیمارستانهای ارو پا اعزام شده بودند، یکی پس از دیگری از پای درآمدند. با پیروزی فاجعه هولناک در جنگ سه سال و نیمه ایران و عراق دیگرانکار وجود سلاح های شیمیایی و بیولوژیک و امکان استفاده از آنها در صحنه نبرد میسر نیست.

عراق تاکنون بشدت استفاده از سلاح های شیمیایی را تکذیب می کرد، لیکن گزارش هیئت اعزامی دبیرکل سازمان ملل متحد که مسمومیت سربازان ایرانی را ناشی از گازهای سمی اعلام نمود بهرحال بر ابعاد وخامت وضع موجود افزوده است.

در این میان حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در تهران اعلام نمود که ایران هم قادر به ساختن این نوع سلاحها می باشد و بعید نیست که در آینده از آن علیه عراق استفاده کند.

بابالاکتفین تشنج در جنگ ایران و عراق، امکان استفاده از این سلاح های مخرب متأسفانه روز بروز بیشتر می شود. ظاهراً عراق که از سنگینی بار جنگ به تنگ آمده است برخلاف

همه موازین بین المللی به این امر متوسل شده تا شاید راه نجاتی برای خود بدست آورد. تکذیب عراق وعدم امکان کنترل کاربرد این سلاح ها چیزی را عوض نخواهد کرد. واقعیت این است که تعداد زیادی از پزشکان و متخصصین اروپایی که در معاینه سربازان مجروح ایرانی دخالت داشته اند وجود آثار باران زرد و گاز خردل را به تنهایی و بصورت کوکتل مورد تأیید قرار داده اند. تنها سؤالی که باقی می ماند این است که بداتیم عراق این سلاح های به غایت کشنده را از کجا بدست آورده است. آیا می توان باور کرد که عراق بمب های شیمیایی باران زرد و گاز خردل را رأساً تولید نموده و یا تمام یا قسمتی از عوامل لازم را برای این امر از جای دیگر بدست آورده است.

روزنامه وال استرین جورنال چند روز بعد از اعزام سربازان مجروح ایرانی به بیمارستانهای اروپا و ژاپن خبر داد طبق یک گزارش اطلاعاتی که به کشورهای غربی رسیده از چند ماه قبل از فاجعه اخیر مذاکرات محرمانه ای بین عراق و شوروی در جریان بوده که هدف آن فراهم آوردن نوعی سلاح ذکر شده است که بتواند به بن

بست فعلی جنگ با ایران خاتمه دهد.

اولین بار در نوامبر ۱۹۸۳ هنگام بازدید ولادیمیر مارکوویچوف معاون کمیته روابط اقتصاد خارجی شوروی از بغداد این موضوع مطرح شد. در آن موقع مارکوویچوف تصمیم گیری در این باره را از حیثه صلاحیت خود خارج دانست و تقاضا نمود عراق یک مقام عالی رتبه خود را به مسکو اعزام دارد.

وال استریت جورنال با استناد گزارش مورديبحث می افزاید که در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۳ طارق عزیز وزیر خارجه عراق به مسکو پرواز کرد. در این مسافرت به طارق عزیز گفته شد که ملین اصولاً مخالفتی با درخواست عراق ندارد ولی لازم است یک هیئت شوروی به عراق اعزام و اطلاعات دست اول را در محل تهیه کند. این هیئت به ریاست رفیق ریابوف که ریاست کمیته روابط اقتصاد خارجی شوروی را به عهده دارد و ضمناً مسئول تهیه سلاح های مورد نیاز عراق است به بغداد رفت و بعد از مذاکراتی که در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۸۳ در بغداد صورت گرفت ریابوف اعلام نمود عراق می تواند سلاح مورد نظر خود را دریافت نماید.

به نوشته وال استریت جورنال رادیو مسکو در همان ایام جریان این مذاکرات را پخش کرده و اشاره نموده است که مذاکرات برای باز پس گرفتن یک جزیره نفتی بوده است.

البته در گزارش مورد بحث از نوع سلاح میکروبی یا شیمیایی که احتمالاً شوروی به عراق تحویل داده است ذکر می بین میان نیامده لیکن با قربانی شدن سربازان ایرانی بر اثر بمب های باران زرد و گاز خردل در منطقه نبرد عملاً پاسخ این سؤال داده شده است.

بعقیده کارشناسان، تولید باران زرد از حیثه قدرت فنی و تکنولوژی عراق خارج است و تولید آن نیاز به ماشین آلات و تاسیسات پیشرفته ای دارد که در دسترس عراق نیست و به زحمت می شود قبول کرد که حتی تولید بمب های گاز خردل هم در عراق عملی باشد.

بهرحال آنچه مسلم است همه روزه عده ای از جوانان و نوجوانان ایرانی بوسیله گازهای شیمیایی و سلاح های دیگر عراقیان از پا در می آیند. جنگ و خونریزی و حمله به تاسیسات نفتی، شهرها، روستاها و دیگر کارخانه ها و وسایل زندگی مردم با همه آثار مرگبار خود ادامه دارد.

در اوایل فروردین ماه سال جدید خبر گزاریهای اعلام نمودند که ایران یک ارتش یک میلیون نفری مرکب از افراد نیروهای منظم، پاسداران و بسیج را تجهیز کرده و باید در انتظار حمله وسیع و احتمالاً نهایی ایران به عراق بود. عراق نیز در این میان بهر وسیله ای متشبث می

شود تابستواند با ایران مقابله کند. حتی بی میل نیست که پای ابرقدرتها واز جمله امریکا رابه جنگ خانمانسوزی که خودآغاز کرده باز کند. نتیجه جنگ در سه سال ونیم گذشته وروند آن در ماهها وروزهای آینده که معلوم نیست تاحه حد ادامه پیدا کند، ضررها وخسارات غیرقابل جبرانی برای کشورما بوجود آورده است که آثار آن هنگامی دامن کشور را خواهد گرفت که جنگ پایان یابد. بیش از دو میلیون نفر آواره، پانصد هزار نفر زخمی واز کار افتاده، از بین رفتن تاسیسات عظیم نفت وصد ها شهر، قصبه وده، راه افتادن سیل جنگ زدگان به شهرهای بزرگ وبالاخص تهران گرفتاری عظیمی است که حل آن به دهها سال وقت ومیلیاردها دلار پول وسرمایه نیازمند است.

طبق برآوردی که سازمان برنامه از خسارات جنگ بعمل آورده میزان خسارات اقتصادی کشور در دو سال اول جنگ از دو بیست میلیارد دلار درمی گذرد و بودجه ای که در این سه سال ونیم به مصرف هزینه های دفاعی رسیده از مجموع درآمد نفت دو سال کشور بیشتر بوده است. درگرمای گرم اعزام یک میلیون نفر به خطوط جبهه سوریه والجزایر اعلام داشتند بزودی برای پایان جنگ ایران وعراق فورمولی پیشنهاد خواهد کرد که مستلزم پرداخت ۲۵ میلیارد دلار بوسیله کشورهای نفت خیز عرب به طرفین جنگ است.

سال قبل تامین مبلغی در حدود یکصد میلیارد دلار از طرف کشورهای عربی پیشنهاد شده بود اما کمک به هزینه های جنگی عراق و کاهش درآمد نفت این کشورها باعث شده که این مبلغ به ۲۵ میلیارد دلار کاهش یابد که معلوم نیست تا پایان کار به چه رقمی تقلیل یابد. متاسفانه ایران در تکنیک وتکنیک جنگ تواناییهای خود را از دست داده است والا میبایستی این جنگ در همان چند هفته یا چند ماه اول که

از آغاز آن می گذشت خاتمه یابد واین همه ویرانی وخسارت وکشتن مردم بیگناه بر اثر حماقت رژیم مفاک عراق بوجود نیاید. ظاهراً برای آینده نزدیک امیدی به پایان جنگ نیست. ایران به اتکا به درآمد نفت خود واستفاده بی حساب از ظرفیت های اقتصادی ونیروی انسانی کشور به هیچ قیمت از شرط سقوط صدام حسین که وجود یا عدمش به تاوانی این چنین عظیم نمی ارزد، دست بر نمی دارد. از آن طرف، پشتیبانان خارجی عراق یعنی اتحاد شوروی و کشورهای میانه روعرب به سقوط رژیم عراق سهل است حتی به سقوط شخص صدام حسین راضی نمی شوند.

رژیم اسلامی که از ابتدای جنگ شعارهایی از این قبیل را بدون توجه به سیاست های جهانی ومنطقه ای ونیز آثار بنیادگرایی خود علم نمود و تن دادن بهر خساراتی رابه قیمت ساقط کردن شخص صدام حسین ازاریکه قدرت استقبال نمود اکنون پس از سه سال ونیم جنگ عدول از موضع خود را یک انتحار سیاسی می داند، درحالی که باید توجه کند مشکلات ومصائب ادامه جنگ، هنگامی که جنگ پایان پذیرد بیش از هر چیز دیگر گلولی رژیم را خواهد فشرد.

ترمیم خرابیها، سروامان دادن به زندگی میلیونها نفر آواره، ایجاد کار برای میلیونها نفر بیکار، مواجهه با آثار اجتماعی ویرانگر جنگ که بصورت اعتیاد به مواد مخدر زندگی چند میلیون نفر را تهدید می کند ورژیم حالا باید دانسته باشد که راه حل آن بکار بردن زور نیست، از جمله مسایلی است که به دهها سال وقت وصد ها میلیارد دلار بودجه نیاز خواهد داشت.

ظاهراً ایران هنگامی که به دورنمای مصائب دوران بعد از جنگ می نگرد از عظمت مسایلی که گریبان او را خواهد گرفت به لرزه درمی آید واز این جهت عده ای از صاحب نظران معتقدند که ایران برای فرار از مشکلات مزبور از برابر واقعیات می گریزد وادامه جنگ را فعلاً راه حلی برای غلبه بر مشکلات فوری می داند.

سیاست رژیم هر چه باشد واقعیت این است که با ادامه جنگ روز بروز برابری مشکلات داخلی افزوده می شود، مردم کشور در مقابل مصائب جنگ از پا درمی آیند، شهرها وروستاها، درهم کوبیده می شود وهنگامی هم که جنگ پایان یابد باید سالهای طولانی با آثار وعوارض جنگ دست و پنجه نرم کنند.



The Equitable Life Assurance Society of the United States

دفتر خدمات بیمه

الیاس وژوبین اسحقیان

بیمه های درمانی، پس انداز، و عمر

«اسحقیان»

راهنمای صدیق شما در امور «بیمه»

Eshaghian, Elias & Joubin
16055 Ventura Blvd.
Suite 600
Encino, CA 91436
986-5200
تلفن های: 872-2613
مستقیم: 906-3666

فرارسیدن موعد پسخ رابه عموم همکیشان عزیز تبریک وتهنیت می گوید

کریج بادی شاپ
مهندس شاهرخ توکلی



گفتگویی با ابابان

وزیر خارجه سابق اسرائیل

از کلوده درفوس

ترجمه: دکتر باروخ بروخیم

وقتی که ابابان در اکتبر گذشته در آمریکا فیلم برداری از کتاب «میراث هرتیاز» را سرپرستی می نمود و در مورد محتویات آن به بحث و گفتگو پرداخته بود کارگران فیلم «دیال» در مورد رل و وظیفه ای که در سریال تلویزیونی خواهد داشت صحبت به میان آورد و از عقاید او در مورد سیاست فعلی خاورمیانه جو یا شده است. ابابان در مورد سریال تلویزیونی «میراث» می گوید فیلم برداری از مصر در سال ۱۹۷۹ با فیلم برداری از «ده فرمان» حضرت موسی در کوه سینا آغاز می گردد. وقتی که قسمتی از فیلم برداری تمام شده همکاران خود گفتیم «بسیار هر چه زودتر از این محل دور شویم مبادایک ده فرمان دیگر نیز بدست ما بیفتد»، باندازه کافی باده فرمان اول با مسایل و مشکلات فراوانی روبرو شده ایم چه طبق آنچه که در تورات آمده است حضرت موسی هنگامی که باده فرمان اول از کوه سینا سرزیر شد با وضع نامطلوبی روبرو گردید و در نتیجه عصبانی شد و لوح را بر زمین زد و سپس مجدداً برای دفعه دوم به کوه سینا رفت و پس از چهل روز و چهل شب بالوح دوم مراجعت نمود و گفت بعضی خبرهای خوب بعضی خبرهای بد دارم. خبر بد آنکه موفق نشدم فرمان عهد شکنی و خیانت و ناشویی را حذف کنم و هنوز این فرمان بجای خود باقی است.

در مورد مهم قوم یهود و مشارکت این قوم در تمدن های دیگر، ابابان معتقد است که

خدمت مشغول بوده است. بعنوان یک جوان مؤمن و معتقد و متعصب به مرام صیونیتی در ۱۹۴۷ برای انتشار بیانیه استقلال دولت اسرائیل در سازمان ملل حضور داشته و موثر بوده است. در ۱۹۵۰ بعنوان نماینده اسرائیل در سازمان ملل نیز بعنوان سفیر کبیر اسرائیل در آمریکا برگزیده شد. از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۴ در چند کابینه دولت اسرائیل شرکت داشته و بالاخره مقام وزارت امور خارجه اسرائیل را احراز و در حال حاضر عضویت حزب کارگر را دارد و نماینده پارلمانی اسرائیل است. ابابان ۸ کتاب تالیف کرده که یکی از آنها بعنوان «دیپلماسی جدید» اوضاع بین المللی دوران فعلی را برشته تحریر درآورده است.

ابابان سیاستمدان نویسنده، دیپلمات و وزیر سابق امور خارجه اسرائیل در پاییز آینده به تهیه قسمتی از فیلم تلویزیونی «میراث» یا «تمدن قوم یهود» سرپرستی خواهد کرد. به نظرمی رسد برای این برنامه انتخاب بجا و شایسته ای برای تشریح و بیان رویدادهای ۵ قاره جهان در پنج هزار سال گذشته شده باشد. ابابان در یک خانواده یهودی مؤمن در لیتوانی متولد شد و بعدها به آفریقای جنوبی مهاجرت می نماید. او ایام نوجوانی خود را در لندن گذرانده است و تحصیلات خود را در دانشگاه کامبریج با وصفی بی سابقه و باشایستگی بسیار به پایان رسانده است. در جنگ جهانی دوم در ارتش انگلیس به

در کتاب «هرتیاژ» از تاثیر تمدن یهود بر روی تمدن سایر ملل بحث و گفتگو شده بمنظور آنکه نشان بدهیم تا چه حد این تمدن هابرویی یکدیگر اثر متقابل و نفوذ کننده و تغییر دهنده داشته اند. قبل از هر چیز باید بدانیم که فقط چهارده میلیون یهودی در این جهان پهناور زندگی می کنند که جزء بسیار کوچکی از جمعیت روی زمین را تشکیل می دهد. یهودیان هیچگاه تعدادشان از این حد تجاوز نکرده است. تصدیق می کنید که این جمعیت از لحاظ کمیت نسبت به تعداد پیروان سایر مذاهب و ادیان و قدرت مادی آنان فوق العاده ناچیز می باشد ولی از لحاظ کیفیت صدای این قوم کوچک در ادوار تاریخ همواره بگوش ها رسیده است و افکار جدید و ابتکارات این قوم دنیا را به لرزه در آورده است. شمانی توانید فکر کنید که دنیا بدون وجود این قوم از لحاظ علوم اجتماعی، فلسفه اخلاق و معنویات چه وضعی داشت. شمانی توانید یک قدم در تاریخ از لحاظ علم وطب و تکنولوژی پیش روید بدون آنکه با اثری از این قوم روبرو نشوید. چرا؟ من خودم جواب این مطلب را نمی دانم و از بیان دلایل آن عاجزم. آنچه که می توانم انجام دهم آنست که در مقام تحقیق و تشریح اسرار و ماهیت این مسایل برآیم. آنچه که شما در صحنه های مختلف این فیلم ملاحظه خواهید کرد فقط نه به تاریخ محدود می شود و نه آنکه گفته شود یهودیان هستند که از خود و تمدن خود صحبت می کنند. آنچه که ما انجام داده ایم در یک راه مخصوص و کاملاً ابتکاری قدم نهاده ایم. ما ابتدا کتاب را با تمدن مصر آغاز نموده ایم. ممکن است کسی از ما سؤال کند چه ارتباطی این مسأله با قوم یهود دارد؟ ولی باید دانست که از این کشور است که یهودیان موجودیت خود را اعلام و سلطنت خود را در اسرائیل برپا نموده اند. بنابراین از آنجاست که از خود می پرسم مصرو تمدن مصری چه تأثیری بر روی افکار این قوم و سایر اقوام و نسل های بعدی این اقوام داشته است. سپس به وضع یهودیان در دوران رومیها، یونانی ها، اسلام و یهودیان غرب اروپا و بالاخره به یهودیان آمریکا خواهیم پرداخت. و در هر حال و در هر موقعیت ما بین تمدن در آن ادوار خواهیم بود و چگونگی این تمدن ها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. سپس به تاثیر یهودیان در تمدن این ممالک خواهیم پرداخت و در ضمن چگونه این قوم توانسته است وضع خود را با این تمدن ها هماهنگ یا با بعضی به مبارزه برخیزد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. میدان فعالیت ما بسیار وسیع بوده است. از استردام، نیو پورت، رود ایلند، اسپانیا، فرانسه تولد و در اسپانیا از مجسمه آزادی امریکاناکامیها و اعدام دسته جمعی دوران هیتلر فیلم برداری شده است.

از همه مشکل تر فیلم برداری از «داخائو» بود که برای مافوق العاده رنج آور و ناراحت کننده بود. چه وقتی ما خواستیم از این محل فیلم برداری کنیم من خود را در اطاقی یافتیم که تمام وسایل شکنجه اطراف مرا احاطه نموده بود. به همکاران خود گفتم که من در این صحنه چیزی برای خواندن و بیان کردن تهیه نخواهم کرد و می خواهم که منظره خودییمان گرفچایع باشد که در این محل بوقوع پیوسته است. من همانجا در وسط اطاق ایستادم در حالیکه مقدار زیادی از وسایل شکنجه در اطراف من قرار داشتند و هنگامی که من گفتم «اینجا کارخانه ای بوده است که دسته دسته مرده تولید می کرده است» هر کارگاه و کارخانه ای وسایل مخصوص کار و تکنولوژی مورد نیاز خود را آماده می کند، «در اینجا هم تکنولوژی مخصوص بخود راهیتری ها آماده نموده اند». معجزه آنجاست که در تاریخ شنیده و یا خوانده اید بالاخره هم این وضع غیر قابل بیان و تفسیر به نتیجه ای نرسید جز اینکه ناامیدی خاصی نسبت به شرایط زندگی انسانی و سرنوشت بشر بمن دست داد.

در مورد کشتارهای دسته جمعی «هولوکوست» کتابهای زیادی نوشته شده ولی هیچگاه متأسفانه توضیح قانع کننده ای درباره آن داده نشده. من همواره در این کتاب سعی نموده ام که در مورد سرنوشت این قوم و بی عدالتی هایی که نسبت به این ملت روا شده و می شود و قجایی که درباره این قوم به انجام رسیده است راه مبالغه را نپیمایم و این قوم را بعنوان یک «قربانی» معرفی و مجسم ننمایم بلکه می خواهم از خلاقیت این قوم در بیان افکار و امکان فلسفی و نقشی را که در تمدن دنیا بازی کرده است صحبت بکنم. این یک آغاز مناسب و جالبی برای این ملت خواهد بود.

غیر یهودیان هنگامی که از طریق رسانه های گروهی به این قوم نگاه می کنند و درباره او به قضاوت می نشینند از دو جنبه مختلف مسأله را مورد مطالعه و توجه قرار می دهند، اول بعنوان «قربانی» کشتار دسته جمعی نازیها که قسمتی از بحران کنونی دولت اسرائیل بدان بستگی دارد و دیگری خود دولت اسرائیل است که نه بعنوان یک جامعه شناخته شده بلکه بعنوان مسأله ای که مورد طرح و گفتگویی باشد.

به این دلیل است که از جنبه کشتار دسته جمعی قسمت کمی از صحنه های فیلم (هشت درصد) را اختصاص داده ایم و بقیه صحنه ها را به موضوع دولت اسرائیل که در دنیا ی غیر یهودی بعنوان مسأله ای درخاور میانه مطرح شده است می پردازیم. در آنچه که من در سال ۱۹۷۷ بعنوان بیوگرافی خود بیان کردم نسبت به برقراری صلح و آرامش در خاور میانه خوشبین و معتقد بودم

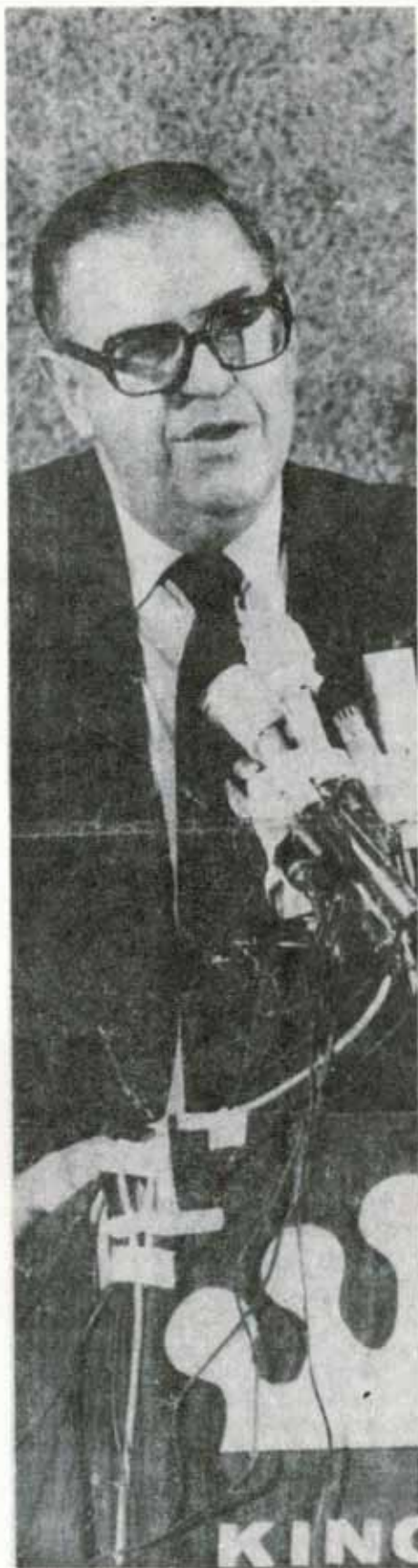
در حالی که «دیپلماسی جدید» خاور میانه را با دیدی بدبینانه مورد طرح و بررسی قرار داده است و آینده این ناحیه را چندان روشن نمی بیند. علت این تغییرات و تحولات آنست که در ۱۹۷۷ هنگامی که من کتاب «بیوگرافی» خود را با بیان رساندم دورانی بود که انور سادات بر مصر حکومت می کرد و بازدید از اورشلیم بعمل آورده بود که اسباب حیرت و تعجب دنیا را بدنبال داشت. در آن موقع در افاق خاور میانه علایم حصول صلح و آرامش به چشم می خورد. و واقعیت این است که «در جنبه مصر آرامشی برقرار شده بود و نوید صلح در این ناحیه را می داد و این یکی از دلایل خوشبینی و امیدواری من نسبت به برقراری صلح در خاور میانه بود. ولی متأسفانه یک عامل نوید کننده ای از سال ۱۹۷۷ به بعد بوقوع پیوست که مسیر حوادث را بکل تغییر داد و آن جنگ لبنان بخصوص آنچه که در آخرین سال جنگ روی داد می باشد. مراد من سیاسی است که درش سال گذشته یعنی از ۱۹۷۷ که حزب کیلود جایگزین حزب کارگر شد و مناخیم بگین زمام امور را در دست گرفت در اسرائیل اعمال گردیده و دولت بگین مسیر جدیدی را در اعمال سیاست خود در پیش گرفت و تصویری از خاور میانه ارائه نمود و چنین تصور نمود که در موضع قدرت بهتری قرار گرفته است. ولی امیدوارم که دیگر وقایع آخرین سال هیچگاه در تاریخ این قوم دیگر تکرار نشود زیرا که به عقیده من این سال سالی فاجعه آمیز و همراه با درد و رنج و تلفات و فقدان و درماندگی و تضاد بوده است که اسرائیل با دست خود بر پیکر خویش وارد ساخته است.

من و همکاران حزیم همواره با نزدیک شدن به بیروت مخالف بودیم و همواره معتقد بودیم که عملیات بیروت بهمان مرحله اول محدود گردد و منحصراً به منظور تأمین امنیت سرحدات اسرائیل در ناحیه گالیل اجرا شود. تعدادی از اسرائیلی ها با این عقیده موافق بودند و انتظار داشتند که بگین بهمان موفقیت های اولیه اکتفا کند و تا همان ۲۵ مایل در نظر گرفته شده عملیات را ادامه دهد تا بتوان از عملیات تروریستی در نواحی سرحدی لبنان و اسرائیل جلوگیری شود. این امر به سهولت میسر گردید ولی متأسفانه عده ای برای بدست آوردن امتیازات بیشتر نظامی از این برنامه عدول نمودند و به طرف بیروت پیش رفتند و فاجعه ای نظیر فاجعه یونان بوقوع پیوست. بیروت برای ما اسرائیلی ها حکم مسکو را برای ناپلئون داشت که شما آرزو داشتید هیچگاه به آن جان نرفته بودید.

گاهی اتفاق می افتد که شما در کاری بیش از حد پیش می روید که بعداً آرزوی کنید که کاش هیچگاه تا این حد به جلو نرفته بودید.

سپس آقای ابابابان عقیده خود را نسبت به اریل شارون طراح جنگ لبنان و وزیر دفاع قبلی کابینه مناخیم بگین بیان می کند و می گوید که او یکی از چهره های غریب تاریخ می باشد و بنظر می رسد به استفاده از قدرت برای پیشبرد اهداف در سر نوشت بشر ایمان دارد. و اما در مورد آقای مناخیم بگین و کناره گیری از مامداری و سیاست ابابابان اظهار می دارد که او نیز یکی از چهره های بدیع و غریب تاریخ یهود به حساب خواهد آمد و کناره گیری از مقام قدرت و انزوای کامل وی بسیار عجیب بنظر می رسد. او پس از این وقایع و اتفاقات خانه نشین شد حتی برای حضور در جلسات پارلمان و کنیسا از خانه خارج نشد. بدون شک او هم از تحول حوادث دچار ناراحتی گردیده است. در آخرین فرصتی که با او ملاقات کردم در کمیته امور خارجه پارلمان بود که در مورد عدم موفقیت کامل در طرح لبنان توضیحاتی بیان می کرد و افراد مختلفی را مقصر و مورد سرزنش قرار می داد و می گفت که من تایید می کنم که وضع لبنان در حال حاضر فاجعه انگیز و ناهنجار است. برای بگین بکار بردن کلمه فاجعه انگیز درد آور بسیار رنج آور بود و می رساند که کناره گیری وی نیز از مقام نخست وزیری بعلت یاس و ناامیدی بود که از عدم موفقیت عملیات لبنان بوی دست داده است. سپس آقای ابابابان در مورد اوضاع سال ۱۹۷۷ و مسافرت انورالسادات به اورشلیم و مذاکرات صلح جداگانه با مصر اظهار داشت که من معتقد بودم که بهترین بود که یک مذاکرات صلح عمومی در خاور میانه دنبال می شد. و در حالیکه مناخیم بگین موفقیت خاص مصر را در جامعه عرب در نظر گرفته و از وضعی که پس از مسافرت سادات به اورشلیم پیش آمده بود خواست به بهترین وجه بهره برداری نماید و شاید هم از ابتداء هدف بگین برقراری یک صلح جداگانه با مصر بوده است تا بدین ترتیب مسأله دولت مصر را که مقتدرترین دولت جامعه عرب به شمار می آمد از مسأله و مناقشات سایر ممالک جامعه عرب جدا سازد.

من نه فقط معاهده جداگانه با مصر را یکی از بزرگترین رویدادها و شاهکارهای این دوران می دانم بلکه آنرا مقدمه و آغازی برای ادامه مذاکرات صلح با سایر دول عرب مخصوصاً بزرگترین مسأله روز یعنی مسأله فلسطینی هامی دانم. حال عقیده من و رفقای حزب این است که کنار آمدن با مصر را باید مدل و نمونه ای برای مذاکرات خود با سوریه - اردن و حتی فلسطینی ها قرار دهیم چه به عقیده رهبران حزب کارگر یگانه راه حل مسأله خاور میانه و برقراری صلح در این ناحیه رسیدگی و معامله بر روی اراضی



و سرحدات مورد اختلاف دول این ناحیه می باشد.
سپس آقای ابابابان در جواب این سؤال که آیا از این گفته شما چنین استنباط می شود که

در جریان مذاکرات صلح کمپ دیوید شاید اشتباهاتی از طرف کارتر - بگین - سادات صورت گرفته و بهترین بود که اردن را نیز در این مذاکرات دخالت می دادید آقای ابابابان اظهار داشت: بله این اشتباهی بود که از طرف شرکت کنندگان در مذاکرات کمپ دیوید روی داد و اردن را نادیده گرفتند و بدون حضور ملک حسین به توافق پرداختند. و در حقیقت می بایستی مذاکرات صلح کمپ دیوید با مذاکرات خودمختاری فلسطینی ها و رابطه آنها با اردن در مورد اراضی سواحل غربی رود اردن و باریکه غزه طرح ریزی می شد و بطور همیشگی وضع این اراضی با حضور مصر و اسرائیل و آمریکا و فلسطینی ها حل و فصل می گردید و برای برقراری نظم و امنیت در این اراضی و کنترل اوضاع در دوران خودمختاری ترتیبی داده می شد در حالی که در وضع فعلی که این طرح مورد نظر است در حالی که دعوتی از اردن بعمل نیامده و هیچگونه دخالتی این دولت در آن نداشته است. سادات هنگام مذاکرات صلح کمپ دیوید برای خود از طرف سایر دول عرب رسالتی قائل شد در حالی که این دول هیچگاه چنین رسالتی را بوی تفویض ننموده بودند و حتی اگر اردن در این مذاکرات شرکت می کرد معهدا باز هم مفاد این قرارداد برای اردن غیر قابل قبول می بود.

و اما ابابابان در جواب اینکه به عقیده وی راه حل چیست و چگونه می بایستی در این زمینه اقدام کرد اظهار داشت که من فکر نمی کنم که کارتر شخصاً در این مورد زیاد توجه کرده باشد و جوانب کار را در نظر گرفته باشد چه در آخرین لحظه پناهی توسط چند تن از دوستان تسلیم ملک حسین می کند و سادات نیز بنوبه خود ملاقات با ملک حسین را در مراکش از وی تقاضا می کند ولی حقیقت این است که این مذاکرات سه جانبه کارتر - بگین - سادات برای ملک حسین جنبه حیاتی می داشت و مسئولیت فوق العاده شدیدی برای اردن بدون جلب رضایت ملک حسین فراهم می نمود. این اولین اشتباه شرکت کنندگان در کنفرانس صلح کمپ دیوید به حساب می آید و دومین اشتباه متوجه تمام ناظرین در این کنفرانس آقایان برژینسکی، کارتر و وانس بود که هر سه قسم پاد نمودند که بگین و موشه دایان به آنها قول داده اند که از اسکان اسرائیلی ها در این اراضی تا زمانی که مذاکرات کمپ دیوید در جریان است خودداری نمایند در حالی که طبق اظهارات بگین این امر فقط به مدت سه ماه دوام داشت و اجرا گردید. و در عین حال هیچگونه مدرک کتبی در این زمینه بین کارتر و برژینسکی و وانس و مناخیم بگین به امضاء نرسیده و صرفاً جتنه یک قول شفاهی ردا داشته است و این خود یک اشتباه بزرگ سیاسی

در جواب این سؤال که آیا دولت اسرائیل در نظر دارد اراضی سواحل غربی رود اردن را ضمیمه خاک خود کند اباابان اظهار داشت اگر منظور شما از ضمیمه کردن این اراضی به مفهوم آن است که دولت اسرائیل حاکمیت خود را بر این اراضی تحمیل نماید جواب من منفی است. ضمیمه نمودن این اراضی به اسرائیل دشوارترین و ناهموارترین عملی است که ممکن است اسرائیل مرتکب شود و ضمیمه نکردن این اراضی هم بنویه خود زیان بخش تر و ناهنجارتر خواهد بود. بعبارت دیگر من فکرمی کنم هدف دولت اسرائیل تامین کنترل کامل این اراضی برای خود می باشد بدون آنکه به اهالی این ناحیه و فلسطینی ها هویت اسرائیلی بدهد و آنها راتبعه اسرائیل بدانند. می دانید که ضمیمه نمودن یک سرزمین به سرزمین دیگری ایجاب می کند که متصرف حق حاکمیت مطلق را برای خود قائل شود و تمام اهالی این ناحیه هویت اسرائیلی را بپذیرند و از قوانین و مقررات اسرائیل متابعت نمایند و در انتخابات نمایندگان پارلمان اسرائیل شرکت نمایند و نمایندگانی به پارلمان اسرائیل بفرستند و مهمتر از همه می توانند از تساوی حقوق با اسرائیلی ها برخوردار شوند و در دستگاه سیاسی اسرائیل وارد شوند. این قیمتی است که افراد برای ضمیمه شدن بخاک یک کشور دیگر می پردازند و امتیازاتی است که می توانند کسب نمایند. من از سیاستی که استفاده از ثمرات و مزایای ضمیمه شدن بیک کشور ممکن سازد بدون آنکه قیمت آن پرداخت شود بیم دارم. بنابراین موضوع ضمیمه شدن اراضی سواحل غربی رود اردن به اسرائیل از یکطرف کاری است بیسوده و بی فایده و از طرف دیگر هم چه مقامی می تواند در این زمینه تصمیم بگیرد و حقوق ضمیمه شدن را مشخص نماید. در ضمن به عقیده من باید دولت اسرائیل جداً با اصل ضمیمه نمودن این اراضی مخالفت نماید حتی اگر اهالی این اراضی خود به چنین امری تمایل داشته باشند. چه این موضوع اصولاً با اهداف و برنامه پی ریزی شده در ۱۹۴۸ و اعلام استقلال اسرائیل کاملاً مغایرت و مبادینت دارد. برای توضیح بیشتر باید بگویم اگر سواحل غربی رود اردن و باریکه غزه جزو قلمرو اسرائیل اعلام گردد دولت اسرائیل با دشواری های عظیمی روبرو خواهد شد که هیچگاه قادر نخواهد بود جوابگوی تمایلات و انتظارات اسرائیلی ها باشد چه اسرائیل دارای دموکراسی خاصی است و در حقیقت نمونه ای است از یک دموکراسی واقعی، و حکومت مردم بر مردم و این ضمیمه شدن بطور چشمگیر و قابل اهمیتی بر روی اوضاع دیگر مملکت اثر خواهد گذاشت. یکی از نمونه های بارز این اثر ضمیمه



شدن الجزیره را بخاک فرانسه می توان یاد کرد که در آخر می دانیم با چه وضعی خاتمه یافت. اگر فرانسه در اواخر سال ۱۹۵۰ می خواست دموکراسی خود را حفظ کند نمی بایستی برای یکی از ایالات فرانسه یک وضع خاص و کاملاً مغایر با سایر ایالات در نظر بگیرد که کاملاً وضع زندگی آنها با سایرین متفاوت می باشد و این خود به جدایی الجزایر از فرانسه انجامید، با وجود آنکه بیش از یک میلیون فرانسوی در الجزایر اقامت گزیده بودند.

اباابان در جواب این سؤال که در صورتی که فلسطینی ها موفق شوند دولتی در این اراضی غربی رود اردن بوجود آورند وضع اسرائیلی ها که در این اراضی سکونت گزیده اند چه خواهد بود اظهار داشت، مقدار اسرائیلی ها که در این اراضی سکونت گزیده اند چندان زیاد نیست و از ۲۵۰۰۰ یا ۵۰۰۰۰ نفر پس از هفده سال تجاوز نمی کند و در ضمن همه این جمعیت هم این اراضی را بعنوان مسکن دائمی و همیشگی خود انتخاب نسموده اند. و بعضی ها هم جانب حزم و احتیاط را از دست نداده اند و خانه های خود را در داخل اسرائیل حفظ نموده اند. پس اگر صلحی برقرار شود و آرامشی در این ناحیه از دنیا پدیدار شود فکر نمی کنم وجود این عده مسأله غامضی بوجود بیاورد. باید مفهوم حاکمیت بر این اراضی بطور صحیح تعریف و تفسیر شود و بنابراین وقتی

بامفهوم واقعی حاکمیت آشنا شدیم متوجه خواهیم شد که این خانه ها و ساختمان ها مراکز می هستند که در خارج اسرائیل بنا شده اند و دلیلی نیست که حتماً این عده این ناحیه را ترک نمایند. چه همانطور که در اسرائیل مراکز عرب نشین با احوالات شخصی مخصوص بخود آنها داریم این مراکز یهودی نشین هم در یک ناحیه عرب نشین وجود خواهد داشت که از قانون و مقررات اعراب متابعت خواهند نمود و تا موقعی که دولت اردن و فلسطین که احتمالاً در این ناحیه حاکمیت خواهد داشت اجازه خواهند داد اعراب در اراضی کشور اسرائیل زندگی نمایند در سواحل غربی رود اردن هم یک اقلیت اسرائیلی وجود خواهد داشت که در جوار اعراب بارفتار و همنزیستی مسالمت آمیز با یکدیگر زندگی خواهند کرد.

در جواب این سؤال که آقای اباابان شما سالها برای حل مسأله فلسطین معتقد به تشکیل یک نوع کنفدراسیون بین اسرائیل و یک دولت اردن فلسطینی بوده اید و در جولای ۱۹۸۲ ملاحظه نمودیم که در مصاحبه ای بعمل آورید شما وضع «نبلوکس» (کنفدراسیون هلند، بلژیک و لوگزامبورگ) مطرح نمودید. و از فدراسیونی که دولت فلسطین جزو آن باشد پشتیبانی می نمودید، آیا ممکن است توضیح بیشتری از آنچه که از فکر شما می گذرد و بدان معتقد هستید و طرحی که باید در خاور میانه پیاده شود بیان نمایید؟

اباابان اظهار داشت: بله من به برقراری یک روابط دوستانه بین اردن، لبنان، اسرائیل و فلسطینی ها معتقدم که چنانچه حاکمیت در این زمینه مشخص شود می توان فدراسیونی بوجود آورد که هر یک از این اقوام در امور داخلی مربوط به خود و تجارت و اقتصاد آزاد باشند مانند «سلوکس» (فدراسیون هلند، بلژیک و لوگزامبورگ). یا بازار مشترک اروپا (جامعه اقتصادی اروپا) که در آن ناحیه حاکمیت و حقوق هر یک از شرکت کنندگان محفوظ و مراعات و محترم شمرده می شود. و من معتقدم که در این صورت موضوع سرحدات در بین این ممالک در درجه دوم اهمیت قرار خواهد گرفت و دولت ها چندان حساسیتی نسبت به آن بخرج نخواهند داد. مخصوصاً اگر این سرحدات برای رفت و آمد جوامع مختلف باز باشد و نه مسدود، بعبارت دیگر سرحدات پلی باشند بین دو مملکت و نه یک مانع. خیلی قابل توجه است که در ابتدا یا سرعفات به چنین پیشنهادی جواب مثبت داد و اظهار علاقه نمود و اگر از آنچه که من برشته تحریر در آورده ام اطلاع می داشت بدون شک به این فکر و واقعیت تن در می داد که اسرائیل طبعاً

در این ناحیه یک مهره بسیار اساسی و مهم و رول بزرگ و شایسته ای بمعهد اودرخواستورمیان و اگذار شده است. ولی متاسفانه یاسر عرفات هیچگاه شجاعت آنرا نداشت که بتواند عقیده خود را آزادانه بیان کند تا اسرائیلی ها بتوانند آنرا بفهمند و درک نمایند. وقتی من از صلح صحبت می کنم یعنی صلح و آشتی با دولت اسرائیل در حالی که آنچه که تا بحال در نظر گرفته شده بحث در مورد سرحدات است و بس.

در جواب شایعاتی که در ۱۹۸۲ و قبل از جنگ لبنان منتشر گردید مبنی بر اینکه ریگان به دولت بگین فشار وارد آورده و تهدید کرده است که اگر وی در مورد سواحل غربی رود اردن رو به نرمتر و قابل انعطاف پذیرتری اتخاذ نماید ناگزیر از آن خواهد بود که پشتیبانی خود را از کابینه وی سلب نماید و به طرف حزب مخالف وی حزب کارگر متوجه سازد؛ آقای ابابان اظهار داشت: آنچه را که من می توانم بشما بگویم این است که من به هیچوجه از چنین پیشنهادی اطلاعی ندارم که ریگان مایل بوده است از پشتیبانی دولت بگین دست بردارد، و با وجود آن که چنین تصویری رفت که دولت ریگان با تمام اقدامات بگین موافق نیست و بر آنها صحنه نمی گذارد، بعکس از سیاستی که در مورد لبنان اعمال می شد حتی در صورت لزوم جنگ با لبنان کاملاً پشتیبانی و جانبداری می نموده است. شاید در ابتدا دولت ریگان چندان تمایلی به شروع جنگ لبنان نداشت، ولی وقتی این جنگ اتفاق افتاد بعضی از زمامداران آمریکایی مخصوصاً آن عده ای که با سیاست شوروی درخواستورمیان موافقتی نداشتند آنرا تایید و مورد قبول قرار دادند. و این حادثه را بعنوان یک «موقعیت مناسب» تلقی نمودند، «بسیار خوب حال که تخم مرغ هاشکست» ممکن است بتوان از چنین موقعیتی برای تشکیل یک دولت لبنان مستقل و حاکم بر سرنوشت خود توسط فلائزیت های مسیحی طرفدار غرب برخلاف تمایلات شوروی موفق شد. عده ای از زمامداران اسرائیلی حتی با الکساندر هیگ به مذاکره پرداختند و عده ای حتی معتقدند که جنگ بروفق مراد آمریکا جریان یافت و علت آنهم این بود که می پنداشتند که موفق به تشکیل یک دولت مستقل بوسیله جمایل که زیر نفوذ آمریکا باشد بوجود خواهد آمد که دولت اسرائیل هم مراقب افزایش نفوذ آمریکا و نه نفوذ شوروی در این ناحیه خواهد بود. ولی متاسفانه این موضوع تحقق نیافت و حساب دست اندرکاران این سیاست درخواستورمیان غلط درآمد، چه هیچ اسرائیلی وظیفه ندارد که در امور داخلی و سیاست لبنان دخالت نماید، و در رتق و فتق اموری این مملکت سهمی

داشته باشد. هیچ جامعه بشری قادر نیست بتواند یک هماهنگی و توافق بین فرقه های مختلف در لبنان بوجود آورد و یک حکومت ملی مستقل و باثبات در این ناحیه به رهبری فلائزیت های مسیحی تشکیل دهد، چه رهبری فلائزیت ها جنبه واقعیت ندارد و آنها در حال حاضر در لبنان در اقلیت می باشند و نه اکثریت. آنها هم فرقه ای هستند مانند سایر فرقه های دیگر لبنان که جنبه ملی ندارند. غلط است اگر تصور شود که اسرائیل قادر خواهد بود بصرف قدرت نظامی خود به این وضع زندگی و این تضادهای موجود در لبنان خاتمه دهد و از نو جامعه متشکل و هماهنگ بسازد.

سپس ابابان در جواب این سؤال که حضور ۱۵۰۰ نفر از ملوانان آمریکایی در لبنان و کشته شدن ۲۳۹ تن از آنان در یک حمله تروریستی در فرودگاه بیروت و خروج بقیه این ملوانان از لبنان سبب آن خواهد شد که عده ای از زمامداران آمریکایی نسبت به اسرائیل بدبین شوند و سبب رنجش آمریکا را از اسرائیل فراهم سازد. ابابان اظهار داشت «باید دانست که هیچگاه دولت اسرائیل از دولت آمریکا تقاضای اعزام ملوان یا سرباز را به لبنان نکرده است و ما هیچگونه مخالفتی هم حتی بایرون رفتن آنان از لبنان نداشته ایم. آمریکا تعدادی از ملوانان خود را برای پشتیبانی و مراقبت امین جمایل و تشبیت اوضاع در لبنان فرستاد زیرا تصویری کرد که حکومت لبنان به رهبری امین جمایل به نفع آمریکا می باشد. در حالی که برخلاف آمریکا اسرائیلی ها به این نکته رسیده بودند که تشبیت و حفاظت دولت جمایل چندان هم منافع حیاتی اسرائیل را تأمین نمی نماید، حتی ارزش ندارد که بیش از این زندگی سربازان خود را به مخاطره اندازد. بنابراین ما هم مانند آمریکا باید مصالح خودمان را در نظر بگیریم و در جهت حفظ منافع خود قدم برداریم.

هنگامی که از آقای ابابان سؤال می شود که چنین بشنظ می رسد و احساس می شود که شما هیچگونه کینه ای نسبت به اعراب ندارید، این همه گذشت و آزاد منشی از کجا سرچشمه می گیرد، ابابان اظهار می دارد که من بعلت تخصص تحصیلی ام به فرهنگ و تمدن عرب و اسلام علاقه مندم و همیشه باید احترام و تحسین به فرهنگ اسلام نگریسته ام. هنگامی که مرد جوانی بودم علاوه بر تحصیلاتم در رشته ادبیات عبری به ادبیات عرب نیز علاقه مخصوصی داشتم و به طرز مخصوص و فوق العاده زیادی جذب عظمت تمدن و فرهنگ این قوم شدم و مخصوصاً «دردوران طلائی» و درخشندگی از روانی و زیبایی ادبیات و فرهنگ و نفوذ فوق العاده فرهنگ اسلامی در هنر معماری و ریاضیات مرا به



تعجب و تحسین و ادا نمود و هنوز هم اعراب نسبت به این آثار تاریخ گذشته خود احساس غرور می نمایند. بنابراین، من اعراب را با وضع فعلی و پس از قرن ها که در تحت قیمومیت و تسلط قول مختلف قرار گرفته و توسط این دولت هامورد استعمار و استثمار و فشار قرار گرفته و این همه تبعیضات را تحمل نموده و یک سیر قهرمانی راپسوده تا به وضع فعلی درآمده اند را در نظر نمی گیرم. من به اعراب قرن هشتم و نهم و دهم بعنوان مظهر تمدن نگاه می کنم و می اندیشم که در اوج تمدن در دوران خود قرار گرفته بودند. اما از طرف دیگر هم نمی توانم بفهمم چرا موضوع حاکمیت اسرائیل باید به مفهوم آن باشد که



د کترایج دردشتی

دارای بردتخصصی بیماریهای داخلی

فوق تخصص در بیماریهای قلب و عروق

عضو کادر پزشکان بیمارستان سیدرسانی

تلفن ۹۲۰۰-۵۵۲ (۲۱۳)

2080 Century Park East
Suite 1010, Los Angeles

د کتر شیرزاد ابراهیمیان

Shirzad A. Abrams M.D.

جراح و متخصص بیماریهای استخوان

مفاصل، ستون فقرات و شکستگیها

DIPLMATE AMERICAN BOARD OF
ORTHOPEDIC SURGERY

501-5326

تلفن ۵۳۲۶-۵۰۱

16311 Ventura Blvd. Suite 520
Encino, Ca. 91436

در منطقه اتسینو

د کتر بیژن بروخیم



جراح و متخصص بیماریهای زنان

زایمان و نازاری

Diplomate American Board of
Obstetrics and Gynecology

تلفن: ۶۷۷۵-۵۰۱

16311 VENTURA BLVD.
SUITE 745
ENCINO, CA 91436

9024 BURTON WAY
BEVERLY HILLS, CA. 90211

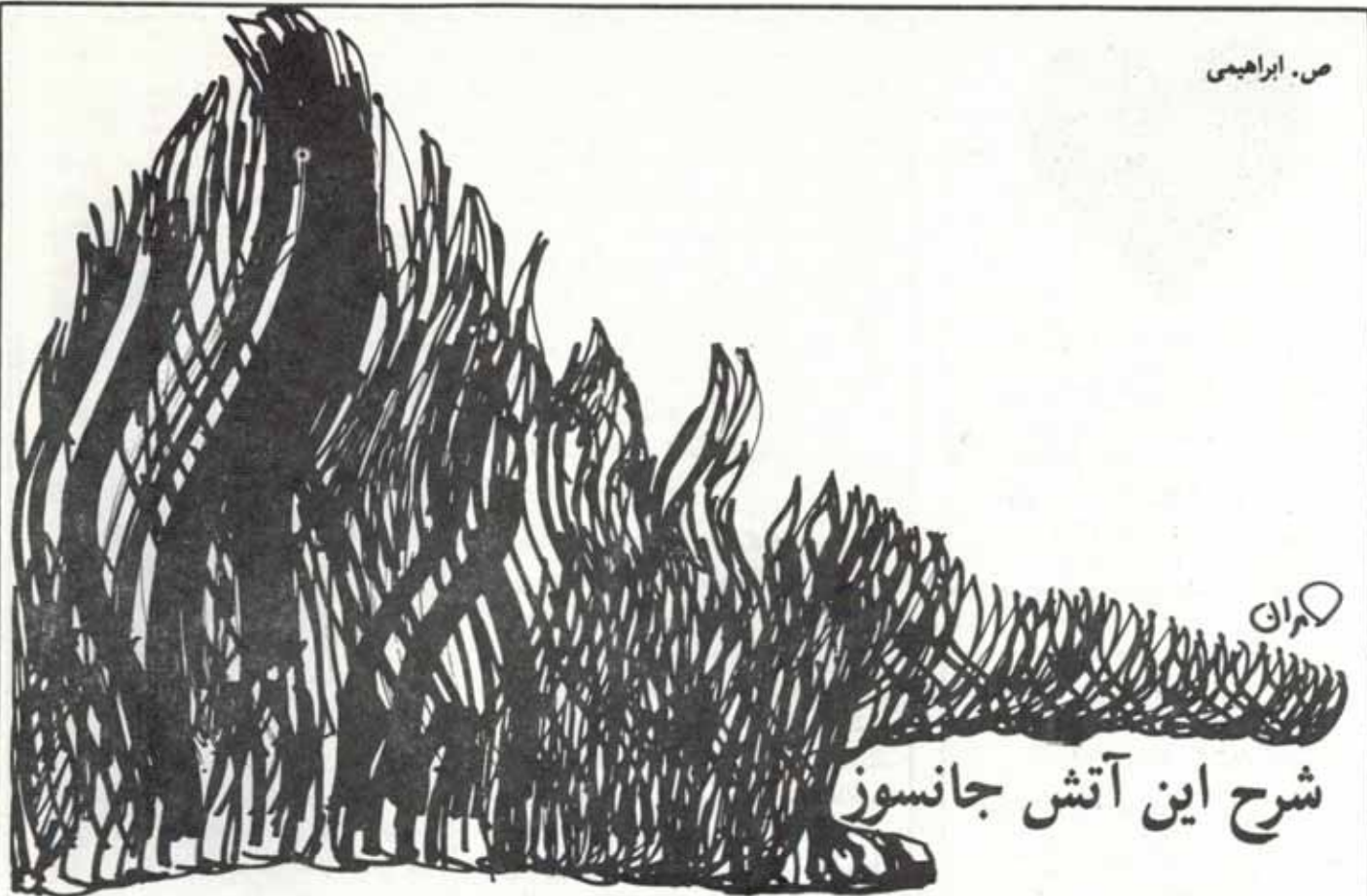
گردید و مذاکرات نیز در مورد توافق نامه سالت دوم نیز آغاز گردید، که متأسفانه فرصت ادامه آن پیدانشد. درخاورمیانه در اوایل انتصاب کیسینجر به وزارت امور خارجه روابط بین اعراب و اسرائیل بامشکلی بزرگ و بن بست عظیم روبرو شده بود، درحالی که در اواخر این دوران و در اثر اقدامات و ابتکارات مدبرانه کیسینجر بامبادله یک معاهده باسوریه و عقد دوقرارداد با مصر موفق گردید و بالاخره در ابتدای دوران وزارت این سیاستمدار قدرتمند تمام درهای خروج یهودیان از روسیه شوروی بسته بود ولی تا اواخر وزارتش کیسینجر سبب آن شد که یکصد و ده هزار یهودیان شوروی وارد اسرائیل شوند.

سپس در مقابل پریشانی که از آقای اباابان در مورد کتاب «شرح حال خودم» و انتقاد از دولت اسرائیل، اباابان اظهار داشت: انتقاد در صورتی بتواند سازنده باشد مفید خواهد بود و سبب پیشرفت و بروز رفهم و اصلاحات می گردد. بدون شک نوشته های انتقادی من در این زمینه منعکس کننده یک نوع در وطن و دل تنگی از «بهشت گمشده» بوده است. هنگامی که در ابتدا مابه تشکیل یک دولت و بدست آوردن استقلال خود نائل آمدیم، ما خود را مثل سایر ممالکی که جدیداً موجودیت و استقلال خود را بدست می آورند عمل نکردیم و نتوانستیم موجودیت خود را به جوامع دیگر تحمیل و بقبولانیم. ما نتوانستیم بطور ساده و آسان بگوئیم «مماسی خواهیم دولتی تشکیل بدهیم و در جهان آزاد باشیم». برای آنکه مورد قبول و پذیرش واقع شویم، مراحل بسیار دشوار و ناگواری را ناچاراً گذرانیدیم. پذیرش ما در جامعه ملل مدتها خیالی و هتوز بادشوارها و عدم پذیرش بعضی از دول روبرو است، و در حقیقت من خود را برای بعضی از موارد آن مسئول می دانم. برای آنکه نظرات سایر ملل جهان را بدست اسرائیل جذب نمایم، قدم های جاه طلبانه ای برداشتیم و فکر می کنم که این همه ناسامانی شایسته جامعه بشریت نباشد. خلاصه در پایان صحبت های خود اباابان اظهار می کند که با وجود همه اینها من هیچگاه از آینده اسرائیل و رسالت وی مایوس و ناامید نیستم، زیرا که فاصله بین واقعیت و خواب و خیال در میان اسرائیلی ها هیچگاه بیش از سایر جوامع بشری نیست و بطور کلی من فکر می کنم که اسرائیل بیش از هر قوم و جامعه دیگر اسباب تحسین و اعجاز سایر جوامع بشری را برانگیخته است. من فکر می کنم تلاش و کوشش اسرائیل برای نیل و دسترسی به یک جامعه مترقی و پیشرفته یکی از بزرگترین پیش آمدهای قابل تحسین دوران جدید تاریخ می باشد.

ما خود را در چهارچوب حاکمیت خود محدود سازیم و هیچگونه روابط دوستانه با دنیای همسایگان خود نداشته باشیم. یک جامعه و ملت باید احساسات ملی و غرور ملی داشته باشد ولی در ضمن می تواند احساسات نوع دوستی و حس همکاری و همبستگی نیز با جوامع اطراف خود نیز برقرار سازد. ما باید بدانیم که همسایگان ما چگونه فکر می کنند و چه احساسی دارند. دلیلی ندارد که بصرف ناسیونالیسم و صیونیسم اسرائیلی ها نسبت به اعراب با دیده خصومت بشنگرند و خود را در چهارچوب این ناسیونالیسم محیوس نمایند و خود را از هرگونه حس تفاهم و سازش دور نگاهدارند.

چگونه دشمنی فرانسه و آلمان به همزیستی مسالمت آمیز فعلی توانست تبدیل شود و دشمنی اعراب با اسرائیل خاتمه نپذیرد، درحالی که اختلاف بین اعراب و اسرائیل به اندازه دشمنی آلمان و فرانسه ریشه دار و عمیق نیست.

سپس اباابان برای تغییر مطلب در مورد کتاب «بهای قدرت» نوشته سیمون هرش در مورد کیسینجر و وزیر امور خارجه نیکسون و سؤال در مورد این که آیا آقای اباابان در مورد دوست خود کیسینجر چگونه فکر و قضاوت می کند، اظهار می دارد: بله کیسینجر از دوستان من است و اما در مورد نوشته این کتاب «هرش» من فکر نمی کنم که هیچ فردی بتواند در جامعه بین المللی با دکتین «هرش» موافقت نماید و آنرا بپذیرد که همه چیز زاده یک توطئه سیاه و شیطانی است که از منافع و نظرات و جاه طلبی و بلند پروازی ایشان سرچشمه می گیرد، و برعکس بمشاور دفاع از منافع اجتماع و تشکیل درآنان است. من در کتاب خود «دیپلماسی جدید» یک قضاوت عادلانه تر و متعادل تر و تصورات متفاوتی نسبت به اقدامات و عملیات انجام شده توسط کیسینجر ارائه داده ام. معتقدم که کیسینجر در دوران وزارت خود با وجود آوردن تغییرات مهم و فوق العاده قابل توجهی در صرف آرائی بین المللی موفق بود. در ابتدای دوران وزارتش چین یکی از دشمنان سرسخت امریکا بشمار می رفت، درحالی که در اواخر دوران وزارت کیسینجر چین تقریباً بصورت متحد امریکا درآمد. روابط بین امریکا و شوروی در اوایل وزارت فوق العاده آشفته بود و کوچکترین امکان مذاکره و توافقی بین روسیه و امریکا در هیچ زمینه ای متصور نبود، درحالی که در اواخر این دوران کیسینجر به برقراری یک سری توافق نامه ها با شوروی در مورد «دیتانت» و رفع سوء تفاهات بین دو ابر قدرت موفق گردید. در ابتدا مذاکرات در مورد تعیین اسلحه اتمی امکان پذیر نبود ولی در آخر به انعقاد قرارداد «سالت اول» بین روسیه و امریکا منتهی



شرح این آتش جانسوز

درجمله هیئت تحریریه با سایر همکاران نشسته ایم. نوبت به نامه های وارده رسیده - یکی ازجالب ترین قسمت های کارما. باین نامه هاست که ما واکنش خوانندگان خود را نسبت به مجله ارزبایی می کنیم. نامه بسیار می رسد - از همه دست. برخی از لحاظ محتوا پربار و تعدادی سرشار از انتقادهای وارد و نواروا. نامه هارامی خوانیم و می بینیم که شمار قابل توجهی از اهل جماعت ما صاحب قلمانی شایسته اند. ولی متأسفانه بیرون گود باقی می مانند و از ماتوق بسیار دارند. اینها به راستی جایشان در میان ما خالی است. با کمک این گونه افراد براحتی می توان بر نقاط ضعف کارمجله که مورد انتقاد خود ایشان و گروه دیگری از خوانندگان است فائق آمد. یکی از همکاران پیشنهاد می کند که حالا که از ماه این راحتی انتقاد می شود، بگذارید ما هم از عدم همکاری همکیشانمان در این خصوص گله کنیم. به هرحال اگر خوانندگان حرفی برای زدن دارند، ما هم باید پاسخی برای گفتن داشته باشیم. و پاسخ طبیعی ما - ولو اینکه بارها تکرار شده باشد - این است که تنها پاداش یکماه تلاش بی وقفه همه ما، مجله ای است که متعلق به مردم ما است و به درخانه هر یهودی ایرانی غریبی که نشانی او در اختیار ما باشد، می رود. و این کار بسیار زیبا است و همه ما به آن عشق می ورزیم. گفته ایم و باز هم می گویم که بر کسی منتی نداریم و با همین صمیمیت، همه شمارا به همکاری دعوت می کنیم. اگر شعر می گوئید، نهراسید. برای ما بفرستید. اگر می توانید طرح هایی درمایه کار مانقاشی کنید، بکشید و برای ما بفرستید - اگر حرفی برای گفتن دارید، با ما در میان بگذارید و اگر به نوشته، شعر، مقاله یا هر مطلب جالبی برمی خورید (فارسی یا غیر فارسی) برای ما بفرستید و جدا از همه اینها، اگر دوست دارید درجمله های شورای نویسندگان مجله خودتان شرکت کنید، با نامه و یا تلفوناً با ما تماس بگیرید تا ترتیب لازم داده شود.

باری، داریم نامه هارایکایک بررسی می کنیم که در میان نامه هاجشم من به نامه ای با اسم خود روی آن می افتد. نامه را برمی دارم و باز می کنم.

قبل از اینکه نامه را بخوانم، زیبایی خیره کننده دستخط نویسنده مجذوبم می کند. متن نامه چنین است:

دانشمند گرام آقای ابراهیمی،

داستان شمارا زیر عنوان «نامه ای از آن دنیا» در نشریه ادبی شوفار خواندم. به شما تبریک می گویم که هم ذهن خلاق دارید و هم نثر روان و شیوا. بخاطر ندانم که قبلاً آثاری از شما خوانده باشم و حتی جنابعالی رادیده باشم. وظیفه خود دانستم به نویسنده شوخ و نکته دان تبریک بگویم. از نگارش این آثار خودداری نکنید و برگزیده ادب فارسی بیفزاید.

ارادتمند شما

حسن شهباز

نامه را مطرح می کنیم و پس از اینکه چند نفر از اعضای شورا از توانایی های بسیار استاد در ترجمه و نویسندگی سخن می گویند، بمن تکلیف می شود که شخصاً پاسخگوی نامه ایشان باشم.

نامه استاد پیش روی من است - قلم به دستم و کاغذ سفید رو برویم. من استاد را خوب می شناسم - البته از طریق نوشته های ایشان. در کار برگرداندن متون خارجی به فارسی، کمتر کسی تبحر ایشان را دارد. اخیراً هم از ایشان نوشته هایی خوانده ام که واقعاً شایان توجه است. خوب ابزار کار آماده است. استادی از من تعریف کرده اند و طبیعتاً پاسخ من باید چند سطر باشد. اما از سپاس و قدردانی باشد. نامه را سطر به سطر می خوانم - و هر واژه چون جرقه ای، در اندیشه من آتشی را دامن می زند و گفتنی های بسیار شکل می گیرد و متبلور می شود. حرف هایی از سرآوردگی و دلتنگی بخود می گویم. بگذار بنویسم و حرف دلم را با صاحب نظری بیطرف در میان بگذارم. مدتها می گذرد. کاغذ سفید رو برویم و قلم در دستم همچنان می ماند، باین تردید که مبادا بنویسم و خدای نخواست استاد بزنجد



و پنج قرن پیش کوله بار سرگردانی خود را در سرزمین اهوراییان به زمین گذاشتیم، گردهم آمدیم و گفتیم رسالت تاریخی محافظ فرهنگ قومی یهود و ملی ایرانی است و چنین نیز کردیم. و اکنون ما گردهم آمده ایم، با این تعهد که اگر خدای نخواست بناباشد فرزندان مادران سرزمین جدید مانند گارشوند، میراث دینی و قومی و ملی خود را که یهودیت و ایرانی بودن است، از یاد نبرند. برای ادب دوستان همکیش ایرانی من، و سایر ایرانیان، شوقار محملی است برای ثبت و ضبط و اشاعه ادب فارسی و فرهنگ یهودیان ایرانی، و همانطور که در ابتدای این نوشته یاد شد، این مجله مال همه ما است. ماحرفه ای نیستیم ولی از ته دل می نویسیم و صادقانه. در کار ما لغزش بسیار است ولی، اگر محمل برخوردستانی نگردد، حاصل تلاش مایکی از ارزنده ترین مطبوعات برون مرزی است.

باری استاد، ما با زهم در فشی را که بر آن نام ایران عزیز نوشته شده بردوش می کشیم. مدعی نیستیم که کاوه آهنگریم ولی نفس وجودی درفش کاویانی را زیاد نمی بریم که هیچ، بلکه آنرا بر شانه های کوچک، کم توان ولی استوار خود، با سماجی که مشخصه قومی ما است، می کشیم. در این رهگذر تشویق حاص نظرانی چون شمایا اسماعیل پوروالی که با چاپ یکی از مطالب من در روزگارانو نوشت:

«این هم از خوشبختی های ایران است که فرهنگش را بجای اینکه اکثریت حراست کنند، آنرا اغلب کسانی که مهر اقلیت خورده اند حفظ و نگهداری می کنند و چه خوب از عهد اینکار برمی آیند». برای ما مغتنم است. مادر تمام طول تاریخ مشترکمان با مردم ایران زمین چنین رسالتی را برای خود قائل بوده ایم و هستیم و بخاطر همین پایمردی، بارها مورد نکوهش و سرزنش و عتاب و شکنجه و آزار کشورگشایان اجنبی و میهن فروشان بومی بوده ایم. این گروه به دنبال روی از فاتحان نشسته بر اریکه قدرت - ما را آزار داده است. و شرح این درد، استاد، اگر با آگاهانی چون شما در میان گذاشته نشود، با چه کسی؟ دردی که حتی در این دیار هم ما با آن دست بگریانیم. برگردیم به شروعی که برستی و وصف حال مردم من است.

شرح این آتش جانسوز نگفتن تاکی
سوختم، سوختم، این سوزنهفتن تاکی

در این سرزمین، در کنار ضدا امتیازاتی که برای ما ایرانیان حالت خوره دارد، امتیازاتی نیز وجود دارد که درخور توجه است. ما اینجا آزادی مطلق گفتن و نوشتن را تجربه می کنیم - و خود آزادی را نیز. قلم من - به شهادت صفحه هایی از این مجله که تا کنون نوشته هایی از من در آن بچاپ رسیده - در اختیار هدفتی است که در صفحه سوم هر شماره این مجله تکرار می شود، در خدمت فرهنگ یهود و فرهنگ فارسی. و این امر مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق مردم ما است. ولی در مقابل تأیید و تحسین های بسیار که می شنویم، گله و شکایت هایی هم می رسد که چرا از ظلمی که بر اقلیت مادر طی قرون و اعصار رفته حرفی نمی زنی. بیاخره می گیرند که اگر حالا نگویند هرگز نخواهد گفت. بگذارید ما برون مرزی های این دیوارهای نرفته

و فردا فریاد انتقاد گروهی بلند شود که چرا تفرقه - حال آنکه تنها انگیزه من برای نوشتن در دلدلهایم مطرح کردن، تحلیل و نهایتاً چاره جویی برای ریشه کن ساختن عوامل تضاد در جامعه ایرانی است. جسته گریخته شنیده ام که استاد خود در این راه سابقه مبارزه دارند. بادوستی که با استاد سابقه آشنایی دارد موضوع را در میان می گذارم. می گوید:

«من و حسن سالهای سال روی یک نیمکت در مدرسه کنار هم نشسته ایم. حسن از هر گونه تعصب نژادی و مذهبی میراست، سهل است، همیشه با بچه های متعصبی که ما را می آزدند، درستیز بود. حرفت را بزن، مطمئن باش استقبال می کند».

پس با استاد می توان در دلدلی کرد. قلم را برمی دارم، بالاها از این سروده، وحشی بافتی:

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
قصه بی سروسامانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید
گفتگوی من و سخنرانی من گوش کنید

استاد گرام جناب شهبان

باتشکر فراوان از نامه محبت آمیز شما، پیش از هر چیزی، اطلاق عنوان: «دانشمند» بمن - ناسپاسی نباشد - مبالغه آمیز است. از اینکه محبت فرموده اید و دست بقلم نو پایی چون من را مورد مرحمت قرار داده اید، برای من موجب افتخار است.

فرموده اید قبلاً آثاری از من نخوانده اید، کاملاً صحیح است. قلم را، استاد عزیز، زندگی در غربت، سرگردانی فکری و احساس کنده شدن چند باره از ریشه بدست من داد. چرا گفتم چند باره، چون این اولین باری نیست که خلق یهود، آواره می شود. تجربه ای که تاریخ مهر آنرا روی پیشانی مردم من زده است. دردی که هموطنان غیر یهودی من برای اولین بار آنرا تجربه می کنند و در قوم من سنتی دیر پا است. من و ایرانیان همکیش، بیش از دوهزار و پانصد سال در خاک میهنمان ایران ریشه داریم و قبل از آن اسیر بابلیان بودیم. کورش شاه ما را از قید بابلیان رها کرد و در سرزمین خود ما آواداد. ما با سایر ایرانیان در آمیختیم و ایرانی شدیم - اما در کنار آن هویت قومی و مذهبی خود را حفظ نمودیم - یعنی دین و ایمان و ادب و هنر و میراث های فرهنگی و بالاخره ایرانیت خود را با چنگ و دندان چسبیدیم. تازیان تاختند، مغول ها، افغان ها، از یک ها. مال، جان، ناموس و از همه بالاتر، دین و ایمان و میراث های فرهنگ ملی ما مورد هجوم و وحشیانه ایتان قرار گرفت.

و دریغ که تعداد قابل توجهی از مردم ما در مقابل این پورش هارنگ باختند. اهور مزدا را در طبق اخلاص گذاشتند و به کشورگشایان یاد شده پیشکش کردند. را در مدانی چون کاوه آهنگر، مزدک، مانی، بابک خرم دین، یعقوب لیث و ابومسلم در حالی که از رو برو بادشمن درستیز بودند، از پشت از اینان خنجر می خوردند.

اما، به گواهی تاریخ، من یهودی، یک یهودی ایرانی باقی ماندم و با زهم تاریخ گواهی می دهد که در دوران حکومت اهریمنان، ما بره قربانی اینان بودیم و وقتی مهاجمان رفتند و آنها از آسیاب افتاد، با زهم مانند گاران پایدار ما بودیم - و میراث های ملی و فرهنگی ایران زمین نزد ما با تمام غنا و گستردگی باقی مانده بود.

اکنون گروهی از ما ایرانیان آواره این دیار شده ایم، با این امید که هر چه زودتر به سرزمینمان ایران بازگردیم. در کنار تلاش برای نیل به این آرزو که تعیین زمان تحقق آن در شرایط حاضر میسر نیست، ما یهودیان ایرانی به آینده ای نه چندان نزدیک و شاید بسیار دور - صد سال، هزار سال یا دوهزار و پانصد سال دیگر - نگاه می کنیم. این گزاره گویی نیست و گواه آنهم، همانطور که قبلاً حضورتان عرض کردم، تاریخ است. مایست

با وجود همه این ناملايمات ذره های وجود من وسایر هموطنان یهودیم تا ابد سرشار از مهر ایران است. حمل برمدانه نشود که این یک باور تزلزل ناپذیر است — این شعار فدراسیون ما و پندبنا آن مجله شوقار است وما این هدف را برای قریب یا خوش آیند این و آن در پیش نگرفته ایم. تا آنجا که شخص من مربوط است، همانطور که قبلاً هم عرض کردم، در تمام نوشته های من که تاکنون از من در شوقار منتشر شده، به تصدیق همگان، عشق به زادگاهم وهم میهناتم آبشخور اصلی الهام من است. مبارزه بی امان ما با آن گروه از ایرانیانی است که، صرف نظر از باوردینی شان، در مقابل تمدن — یا بهتر است بگویم توحش — بیگانه دردیار غربیت، رنگ می بازند.

ما، جناب دکتر، در اقلیت بودن را تجربه کرده ایم وهمینطور حکیم باشی بودن را. حکیم باشی که از هر بابت دراز شده ومی شود. بره قربانی که هم در عزا سرش رامی برند وهم در شادی. بعنوان مثال، ما تا از راه رسیدیم، گردهم جمع شدیم، تشکیل سازمان دادیم، برای خود نشریه درست کردیم واسم سازمان خود را گذاشتیم «فدراسیون یهودیان ایرانی». می دانید چه شد؟ قریب گروهی بلند شد که چرا «ایرانی یهودی» نه که «یهودی ایرانی». البته پاسخ مامعلوم بود. چون ما پنج هزار سال است یهودی هستیم وتنها دوهزار و پانصد سال است ایرانی وهمین دلیل هم گفتیم یهودی ایرانی. حالا چه علی خواجه، چه خواجه علی. ما که منکر ملیت خود بعنوان ایرانی نشده ایم که مستوجب اینهمه پرس وجو باشیم. تازه خود این مدعیان چه گلی به سر ما ایرانیان زدند که حالا مدعی ماشده اند؟ تنها بعد از مطرح شدن این سؤال بود که نشستیم و بررسی کردیم و دیدیم این سؤالها، هنوز هم از ناحیه آنها که ما را نجس وخون آشام می پندارند مطرح می شود. آری، در این دیار هم — متأسفانه — مردمی از این دست هنوز پیدامی شوند.


و این داستان ادامه دارد، وهمراه با آن تلاش خستگی ناپذیر ما برای ریشه کن ساختن جهل وتعصب. مادر راه برادری و برابری به معنای اخص کلمه تلاش می کنیم و در این تلاش، پشتیبانی دانشمندان چون شما بر ایمان مغتنم است.

باسپاس و درود بسیار

رافرو بریزیم و گرنه چنانچه بنا باشد باز با همین دردهای مخفی شده در سر زمین مان گردهم آییم، باز همان آتش است وهمان کاسه. و اینتان، حرفشان پری ربط نیست.

در ایران دیروز، بر اساس قانون اساسی، ما جزو ملل متنوعه بودیم. در ایران امروز ما اقلیت تابع اکثریتیم و برای حصول اطمینان در اجرای این اصل اداره ای بنام اداره امور اقلیت های مذهبی تشکیل شده است. در ایران فردا چنین نباید باشد. به کسی چه مربوط که من خدای خود را با رکوع وسجود پرستش می کنم یا با زانو زدن یا باتکان دادن شانه های خود. موسی یگانه پرستی را بنیاد گذاشت، عیسی همان حرف را زد بایانی دیگر وموسی را رد نکرد ومحمد هر دورا تایید کرده وهمان گفته را تکرار کرد. زرتشت دوگانگی نفس هستی یعنی اهورمزدا و اهریمن را مطرح کرد، بودا و کنفیسیوس کم و بیش همین را گفتند و ده ها وصدها مکاتب جنبی دیگر در کنار این ادیان وسنخ های فکری متولد شد — چرا، چون انسان متفکر است وفکر زاینده. اما اصل قضیه این است که حرف همه یکی است. حال شبهه راقوی بگیریم و بگویم یک بنده خدای منکر همه مکاتب بالا باشد — به اعتقاد ما، بعنوان انسان های متمدن، چنین شخصی نیز حق زندگی مساوی با سایر افراد مملکت مان را دارد.

یکی از رمزهای پایداری وماندگاری قوم یهود پس از چند هزار سال پراکندگی در پهنه گیتی — ایمان راسخ آنان به مساوی بودن افراد بشر است. در دین ما، این امر خداوند است که می فرماید «همنوع خود را چون خود دوست بدار». وما هموطنان دوهزار و پانصد ساله باشما، همیشه شما را دوست داشته ایم وشمانیز ما را — اما درصد قابل توجهی از هموطنانمان به مایهودیان بعنوانی که قانونی اساسی بماداده بود، یا عبارت ساده تر بعنوان اتباع درجه دوم نگاه می کرده اند. برای این گروه، که غالباً یا وطن فروش بوده اند یا از شعور کافی اجتماعی برخوردار نبوده اند، ما جهودانی نجس بوده ایم که خون بچه های مسلمان رادرنان فطیر ریخته وبانوشیدن آن در شب عیدمان جشن می گرفته ایم — مائی که همنوع خود را چون خود دوست می داریم! شخص من، جناب استاد، از بچه های همسایه مان روز عید نیسان (که غالباً مقارن بانوروز است وما هر دو عید را با هم جشن می گیریم) کتک خورده ام. چرا؟ چون گونه هایم سرخ بود و این شبهه را باعث شد که خون کودکی معصوم است که در مویرگ های چهره من می

شرکت سوفر 

بزرگترین مرکز تهیه و پخش مواد مورد نیاز جامعه ایرانی در خارج ایران

فرارسیدن موعد پسخ رابه عموم همکیشان عزیز

صمیمانه تهنیت وتبریک می گوید

دکتر مهدی جندقی

متخصص وجراح بیماریهای زنان
وزایمان

رزیدنت سابق دانشگاههای کرنل
وجرج واشینگتن با سابقه ۲۰ سال طبابت
در امریکا

16661 Ventura Blvd., No. 225
Encino, CA 91436

Tel: (818) 905-0007

پذیرایی باتعین وقت قبلی

دکتر فریدون نیسان

دندانپزشک

F. Naysan D.D.S.

10350 Santa Monica Blvd., Suite 190,
L.A., Ca. 90425

قاطع سانتامونیکا کرجک و بوری گن

(213) 557-1704

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.

دکتر جهانگیر جانفزا



متخصص در کاربرد پراکتیک

— طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد،

گردن درد، کمردرد، و صدمات ناشی

از تصادفات اتومبیل و سایر حوادث

بدون تجویز دارو.

بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 611
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته ۸۵۹-۸۴۹۴ (۲۱۳)

15301 Ventura Blvd. Suite 300
Sherman Oaks, Ca. 91403

Tel: (213) 907-8566

به بهانه

یازدهمین سالگرد

افول یک ستاره



ژانت کهن صدق پرنده ای با پروازهای بخاطر سپردنی

دو نده سرعت جهان. او در ۱۳ سالگی پایه میدان ورزش نهاد و در رشته دو میدانی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. آغاز درخشش او زمانی بود که با ۴۰ کیلو وزن رکورد دوی صد متر بانوان ایران را شکست. ژانت در مسابقات انتخابی المپیک آسیایی سال ۱۹۶۶ بایست آوردن رکورد ۱۲/۵ ثانیه در صد متر اثری اعجاب آورده تاریخ ورزش ایران به جای گذارد و با تلاش مستمر و اعتقاد به موفقیت و عشق به پیشتازی توانست راهگشای قهرمان های بزرگتر برای کشورش باشد.

اما بازی تلخ طبیعت در این است که شمع هایی چنین فروزان هرگز فرصت کافی برای پایان دادن به مأموریت غرور آفرین خودرانی می یابند. ژانت همچنانکه در طول زندگی کوتاهش پرنده ای سبکبال و سریع بود برای رسیدن به خط پایان زندگی نیز سرعتی غم انگیز داشت ولی اینبار نه بخواست خویش که بلکه به دلخواه سرنوشت. ژانت کهن صدق در سال ۱۳۵۱ در سن ۲۷ سالگی در یک سانحه اتومبیل کشته شد و دل های بسیاری را داغدار و محزون کرد. دوم خرداد امسال یازدهمین سالگرد درگذشت او است.

کسی چه می داند! اگر ستاره عمر این قهرمان چنین نابهنگام افول نکرده بود چه بسیار افتخارات دیگر که برای کشور و ملت خود کسب می کرد. ولی آنچه این پرنده ظریف در طول عمر کوتاهش انجام داد پروازی بود غرور آمیز در آسمان حیثیت و اعتبار دختران و زنان یهودی ایران که نامش را جاودان ساخت.

شاید فروغ فرخزاد برای چنین پرنده هایی سروده است که:

پرواز را بخاطر بسیار
پرنده مردنی است

به دنبال یک اعتقاد ریشه دار و کهن همواره از یک دختر یهودی این انتظار می رود که آینده خود را برای ایفای نقش یک همسر فرمانبردار و یک مادر دلسوز پایه ریزی کند. این اعتقاد بویژه در سرزمین باستانی ایران که فرهنگ غالب آن برای زنان نقشی جز «نشینند و زاینند شیران تر» نمی شناخت این باور را بوجود آورده بود که زنان باید در پس پرده های ضخیم محدودیت های دست و پاگیر باقی بمانند و هرگز به شناخت شایستگی ها و توانایی های دیگر خود نپردازند.

اما گاه و بیگاه، در طول دهه ها و قرون، زنان و دخترانی ازدل و صلت این دوفهنگ بپا خاستند که بندهای اسارت را پاره کردند و شجاعانه فراسوی از آنچه برای شان رقم زده شده بود قدم گذاردند.

در میان دختران و زنان یهودی ایرانی، در طول دهه های گذشته به کمتر چهره هایی برمی خوریم که جسارت این مبارزه را داشتند و هرگاه تک و توک چنین پدیده هایی ظهور می کردند شور آفرین و غرور انگیز بودند. از جمله این محدودیت ها پهنه ورزش بود یعنی سرزمینی مردانه که زنان را کمتر یارای نزدیک شدن به آن می بود.

در چنین حال و هوایی ظهور و اوج گیری دخترکی ظریف اندام و ریزنقش بنام ژانت کهن صدق و درخشش و تابش او در افق نه چندان روشن ورزش ایران پیروزی جانانه ای بود و شاید راهگشای دل انگیز برای سایر زنان و دختران که منتظر نفر اول و قدم اول بودند.

نام ژانت کهن صدق راهمه بیاد داریم، ولی بعید است که همه بانقاط اثرگذار زندگی کوتاهش آشنا باشیم.

ژانت قهرمان دو میدانی ایران بود. سریع ترین دهنده زن ایرانی و سبک وزن ترین

از: گیتی بروخیم (سیمانتوب)

یافته است، به وی تبریک گفت.

امروز دوازده سال از آن تاریخ می گذرد، «دیوید» درخانه ای که به اتفاق زن و چهارفرزندش در آن زندگی می کند، کلیه قوانین و سنت های مذهب یهود را اجرا می کند. واقعه مذکور یکبار دیگر ثابت می کند که یک یهودی هرگز نمی داند احساسات و معتقدات یهودی خود را بکلی از دست بدهد. اما چه عاملی باعث می شود که نوجوانی از یک خانواده یهودی تا چند قدمی از دست دادن مذهب خود نزدیک شود؟ مذهبی عمیق وریشه دار با ۳۵۰۰ سال قدمت؟

امروز «دیوید لیزرسان» جوان ۳۱ ساله بلندقامت و ریشوئی است که همیشه کلاه کوچکی بر سر و لبخند باحالتی بربل دارد. در دورشته، یکی تاریخ امریکا و دیگری الهیات دارای لیسانس است، در رشته تعلیم و تربیت فوق لیسانس دارد و بزودی در همین رشته به اخذ درجه دکترا نائل می شود. دیوید دارای سه دختر و یک پسر است و به گفته خودش بایی صبری منظر روزی است که تلمود راه پسرش تعلیم دهد.

گذشته اش را این چنین تجزیه و تحلیل می کند: «در سنین رشد من، در امریکا، اکثر یهودیان تنها لازمه یهودی بودن را در این می دانستند که انسان خوبی باشند. تنها نکتاتی به آن پایبند بودند عبارت بود از: علاقه به مذهب خود بدون اطلاع کفافی در مورد آن، پیوند های قومی خانوادگی و برگزارد کردن جشن های یهودی. هیچکدام از دستوره های مذهبی را بصورت سنتی آن رعایت نمی کردند و انگار نه انگار که مذهبی و کتابی دارند فقط وقتی فرزندانشان بزرگ می شدند یک جمله را مثل ورد در گوش آنها تکرار می کردند: «باغیر یهودی ازدواج نکن»، و جوان که هیچ تفاوت آشکار و محسوسی بین سنت ها و فرم زندگی خودش با زندگی غیر یهودی مشاهده نمی کرد منطق این راهنمایی برایش قابل هضم نبود». بهر حال بخاطر دلایل فوق، وقتی که «دیوید» به دبیرستان قدم می گذارد عصبان می کند.

تمام دوستان دختری که به ترتیب انتخاب می کنند غیر یهودی هستند. برای او مذهبی که تنها فلسفه اش «ازدواج غیر یهودی نکردن» است قابل تحمل نیست. دیوید ادامه می دهد: «در آن دوران پس از سالها بی توجهی به مذهب، همینکه متوجه می شدند جوان در حال از دست دادن مذهب خود می باشد، برای نجاتش یک راه حل داشتند و آن فرستادن فرزندشان به اسرائیل بود. شاید دوباره احساسات یهودیش تحریک شده و شکوفا گردد. وقتی پایه دانشگاه گذاشتم به اتفاق گروهی مرابه این سرفرستادند. در درونم

تجدید حیات یهودیت،

در قلب

«دیوید لیزرسان»

* چه عاملی باعث می شود جوانان به

مذهب خود پشت کرده، به فرقه های پوچ روکنند؟

* یهودیت در انسان خوب بودن و برگزاردی

اعیاد مهم خلاصه نمی شود،

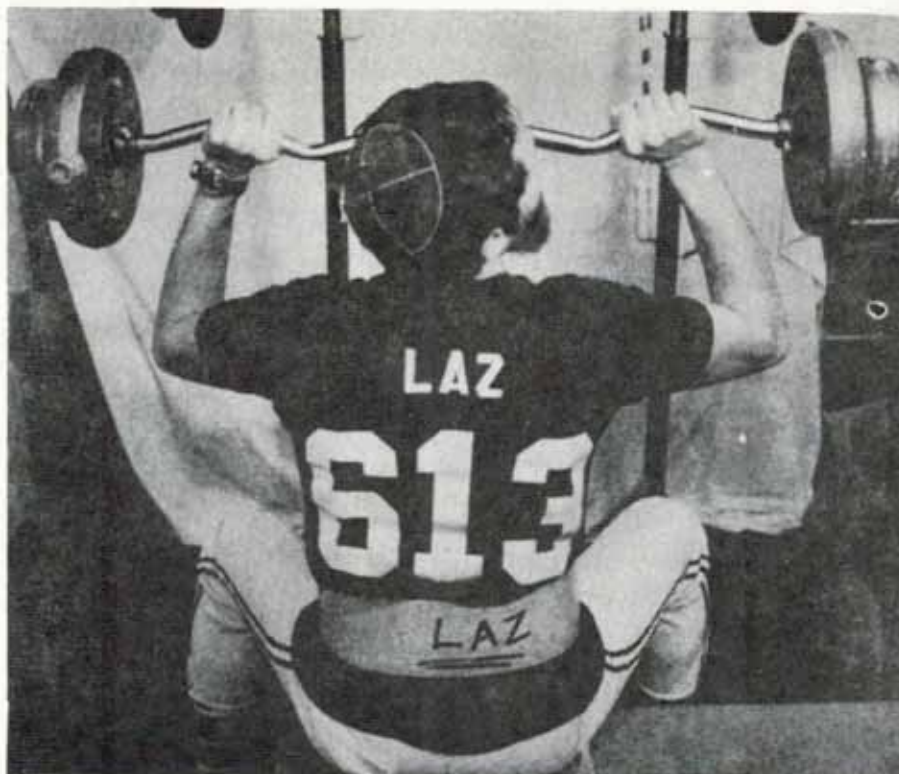
فلسفه یهودیت را به فرزند خود بیاموزید.

سالها قبل به «دیوید» آموخته شده بود که یک یهودی در برابر هیچ کس تعظیم نمی کند، زیرا هیچ انسانی کامل نیست. تنها وجود کامل، خداوند بزرگ است که بخاطر تقدس بیش از حد گروهی از یهودیان از بزبان آوردن نامش بطور کامل هم احساس عجز می کنند.

دیوید غرق تفکر شده بود: حضرت موسی رهبر بزرگ ما بود، با این وجود هیچکس در برابرش تعظیم نمی کرد. هرگز محل دفن او را برای یهودیان فاش نکردند، مبادا یهودیان آزاده از بردگی برای سپاسگزاری در برابر مقبره او تعظیم کنند. این عمل یعنی تعظیم کردن در برابر یک به اصطلاح استاد باقریضه مذهبی یهودیان مغایرت کامل دارد، این افکار که به سرعت از مغز «دیوید» می گذشت مانع تعظیم کردن او شد، راست بر زمین میخکوب شده بود. یک مأمور پلیس که مدتی بود آن گروه را زیر نظر داشت، دستی بر پشت او زد و از اینکه در بین آن جمع یک نفر موجود عادی و طبیعی

سال ۱۹۷۰ است، «دیوید لیزرسان» همراه بقیه همراهان هاری کریشای خود به فرودگاه آمده تا از یکی از اساتید روحانی فرقه هاری کریشا که از هندوستان می آید، استقبال کند. تمام موهای سر را تراشیده است به جز قسمت کوچکی که بحالت دم اسی آویزان شده. مریدان استاد مشغول سوزاندن عود و عنبر هستند و «دیوید» در حال طبل زدن.

ناگهان همه صداها قطع شد، در هوا بیما را باز کردند و جناب استاد هویدا شد. تمام مریدانش متفقاً تا کمر خم شده تعظیم کردند و بعد در برابرش بخاک افتادند. «دیوید» تنها عضو فرقه بود که هنوز بحالت ایستاده به رو برویش نگاه می کرد، دیگر طبل نمی نواخت، کمی استاد را نگاه کرد و بعد به مریدانش خیره شد که بنده وار و برده وار بخاک افتاده بودند، مغزش درگیر آشوب عجیبی شده بود: «تعظیم بکنم یا نکنم؟»
صحنه بسیار مصنوعی و مسخره ای بود.



دیوید لیزرسان در حال بلند کردن وزنه و ورزش کردن است، تابوتاند در تیم فوتبال مورد نظرش فعالیت کند.

دانشگاهش بهتری شود و دوره لیسانس را پایان می رساند. در همین دوران بایک ربای بنام «ربای نوسون گوراری» آشنا می شود. ربای، «دیوید» ربه مطالعه در زمینه یهودیت بخصوص به فرم «هاسیلک» آن تشویق می کند. در این باره می گوید: «بین من و او درگیری عجیبی پیش آمده بود. او معتقد بود که یک یهودی واقعی که بارش های مذهب خود آشناست از یهودی بودن خود احساس غرور لذت بخشی می کند. اقامن معتقد بودم که مذاهب اصلی و صاحب کتباب بین مردم سدهای غیر قابل نفوذ ایجاد می کنند. تمام مدت با او و عقایدش مبارزه می کردم. احساس من این بود که یهودیان با ایمان و متعصب، مذهب را وسیله قرارداد اند». ربای گوراری «دیوید را متقاعد می کند که اگر او آنهمه فرقه های متعدد را بررسی و مطالعه کرده است، مطالعه در مورد مذهب خودش برایش واجب است و این دینی است که بخودش مدیون است. «دیوید» تسلیم شده، در کالج ربانیم امریکا در «موریس تاون نیوجرسی» اسم نویسی می کند. در این زمینه می گوید «برای یک هفته مطالعه اسم نویسی کردم، ولی سه سال ماندگار شدم. به مغزم هم خطور نمی کرد که یهودیت این چنین عمیق و گسترده باشد». دیوید پس از مراسم بر میتسوای خود در سن سیزده سالگی، تصویر کرده بود همه آنچه که باید در مورد یهودیت بداند،



دیوید دوران مواد مخدر و دوستان هاری کریشنا، مشغول مطالعه تلمود در خانه خود

توس و نگرانی موج می زد، نگرانی از اینکه نکته مثبتی در مورد یهودی بودن بیابم. بهر حال من به این سفر رفتم و شدیداً تحت تاثیر قرار گرفتم، باشور و عشق عجیبی به خانه ام برگشتم با این خیال درس که مثل یک یهودی خوب و سر براه تحصیلاتم را پایان برسانم و دست از بسکری و عصیان بردارم. اما همینکه قدم به دانشگاه گذاشتم، مجدداً رفقا محاصره ام کردند و به شستوی مغزی پرداختند. همانطور که گفتم من در دوران رشد هیچگونه تعلیمات عمیق یهودی ندیده بودم که برای ادامه راهی که صحیح بود، قدرت روحی کافی داشته باشم. سال ۱۹۶۸ بود، در اجتماعات دانشجویان فقط صحبت از «پی. ال. اوه»، «هاری کریشنا»، «بودا» و فرقه های سیاسی و مذهبی دیگر بود. مثل برگ سبکی که باد خزان به این سو آن سوی برد، تمام این فرقه ها را بررسی کردم. درخت ریشه داری نبودم که باد خزان نتواند مرا از خاک خوب خودم ریشه کن کند».

«دیوید» در دانشکده، چند کلاس در زمینه «زن بودیسم» و «ادبیات کریشنا» برمی دارد و عملاً به فرقه کریشناها می پیوندد. امروز معتقد است که: «فقط افرادی که به هویت و ریشه های خود اطمینان ندارند توسط فرقه های مختلف شکار می شوند. بدبختانه امروزه بسیاری افرادی که نمی دانند چه کسی هستند. یهودیانی که بدون آگاهی از فلسفه های تورات تربیت می شوند بهترین طعمه این فرقه ها هستند». «دیوید» رسوم عجیب و غریب و مضحک کریشناها را اجرا می کند و بالاخره در اواخر سالهای ۶۰ نوبت به مواد مخدر می رسد. در آن دوران تنها فکر و ذکر جوانان این بود که مواد مخدر استفاده کنند و نشئه شوند. دیوید چند زمانی هم در گودال مخوف اعتیاد دست و پامی زند و بالاخره بخود می آید، متوجه می شود که جوانیش رو به تباهی است. باز حمت فراوان خود را از شر اعتیاد می رهاند، و در سال ۱۹۷۱ به اسرائیل سرزمین اجدادش سفر می کند تا خود را بشناسد. به یک کیبوتص نزدیک «حیفا» پناه می برد و زندگی جدیدی را آغاز می کند. در مورد این تجربه زندگی خود می گوید: «پنج صبح از خواب برمی خاستیم، غذاهای سالم و طبیعی اسرائیلی می خوردیم و تادلتان بخواید کار می کردیم. با این وجود بیش از هر زمان احساس سلامت جسم و روح می کردم چون از آشوب و هرج و مرج امریکا دور بودم». شش ماه در این کیبوتص و شش ماه در یک دهکده کوچک بلژیکی زندگی می کند، سپس به امریکا بازمی گردد. دیگر نیازی به منزوی بودن در خود احساس نمی کند، فقط عطش شدید برای یاد گرفتن و آموختن علم دارد. نمره های



دیوید به اتفاق همسر، سه دختر و پسر چند ماهه اش

(یادوست مدرسه) الهام بخش او شد. روش مذکور به این ترتیب بود که دومحصل اوقاتی را با هم می گذراندند و هر کدام دیگری را تعلیم می داد. این فکر به مغز «دیوید» رسید که اگر دانش آموزی علی رغم مسایلش در فراگیری درسی، بتواند به دانش آموز معمولی در کلاس های پایین تر حساب یا خواندن بیاموزد اعتماد بنفس فراوان کسب کرده، شخصاً در درسهایش پیشرفت خواهد کرد. دیوید پس از کسب اجازه، این روش را بین شاگردان کلاسش پیاده کرد و روش بسیار موثر از کار درآمد. شاگردان کلاس پایین تر پیشرفت کردند و شاگردان دیوید هم که در یادگیری کند بودند هم در درس پیشرفت کردند و هم اعتماد بنفس غریبی بدست آوردند. «دیوید» در این زمینه مقاله ای به رشته تحریر درآورد و در نشریه «اشکالات در فراگیری درسی» بچاپ رساند، تحت عنوان: «اگر من قادر به تعلیم هشتم پس خوبم».

بخاطر این ابتکار جالب در زمینه تدریس و هم چنین بخاطر یک روش تعلیم و تربیت در هوای آزاد، دیوید بعنوان «معلم سال» (۷۹-۱۹۷۸) انتخاب شد. دیوید مقاله های خود را در زمینه روشهای جدید تعلیم و تربیت به کنفرانس جهانی

آنها به دوام این ایمان و عقیده جدی بمن امیدوار نبودند. پدرم می گفت: «ببینیم این روش جدید تا چه زمانی دوام خواهد داشت. درابتداء آوازهای «هاری کریشنا» می خواندی، بعد ادای یوگی ها را درآوردی، در مرحله سوم تصمیم گرفتی باغچه طبیعی برای رشد سبزیجات درست کنی و در نتیجه گیاهخوار شوی. اعتیاد در مرحله چهارم تغییر و تحولات روحی تو را تشکیل می داد، حالا ملا شده ای و می گویی به درها باید «مزوزا» بزنی».

اما با گذشت ده سال، «دیوید» ثابت کرده است که عزیمت در مورد زندگی کردن به روشهای یهودی راسخ است. حالا خانواده اش نه فقط به مذهب خود و سرزمین اسرائیل و فرهنگ یهودی خود افتخار می کنند، بلکه به وجود فرزند مؤمن خود نیز می بالند. شغل دیوید آموزش به کودکانی است که در فراگیری درس دچار اشکال هستند، تبعیت از تو را در این زمینه الهام بخش و تسهیل کننده کار او بوده است.

علاوه بر این، «دیوید» بابکار بستن یک تکنیک قدیمی یهودی انقلاب کوچکی در کلاس درس خود ایجاد می کند. دیوید مأمور آموزش به چندین بچه بود که دچار اشکال در فراگیری درسی بودند. روش «یشواخوار»

آموخته است. می گوید: «هرچه بیشتر در زمینه یهودیت مطالعه می کردم مبهوت ترمی شدم. پی بردم که هر آنچه که شخص آرزو دارد بداند و به آن دست یابد در «تورات» وجود دارد: اخلاق، انسانیت، حفظ الصحة، مثبت و مشرثر بودن، آموختن و بر معلومات خود افزودن، رشد هر چه بیشتر فکری و انجام امور خیریه. برایم بسیار جالب بود که نکات مورد علاقه ام را از منابع اصلی و دست اول بیاموزم، یعنی «تورا» را بزبان عبری و تلمود را بزبان آرامی بخوانم. تلمود بشما روشهای درست فکر کردن را می آموزد، مجموعه ای از قوانین یهودی نیست، امانوی سیستم جالب و منحصر بفرد تجزیه و تحلیل و موشکافی و عمق است». «دیوید» درابتداء تصور کرده بود که یک یهودی بسیار مؤمن باید با انجام بعضی کارهای مورد علاقه اش وداع گوید ولی چنین نبود: نه فقط چیزی از دست ندادم بلکه شادی های تازه ای به زندگیم راه یافت. نه گیتارم را کنار گذاشتم، نه طبل و نه تردستی هایی که باورق می کردم، برعکس تمام اینها را در زمینه تدریس به بچه ها که رشته تخصصی من است بکار گرفتم و نتایج چشمگیری عاید شد. البته مؤمن و مقدس شدن برای من آنقدرها هم ساده نبود. یکی از مسایل، دیر باوری خانواده ام بود.



دیوید در کلاس درس، روشهای تنفس مصنوعی را به شاگردان می آموزد

«تعلیمات مخصوص آینده» در اسکاتلند فرستاد و توجه صاحب نظران را جلب کرد. سرپرست مدارس شهری که دیوید در آن زندگی می کند تصمیم دارد برای تأسیس دبیرستانی اقدام کند که باورهای ابتکاری دیوید در زمینه آموزش، اداره شود. روشهای آموزش دیوید چنان مورد توجه قرار گرفت که رئیس بازداشتگاه شهر از رئیس مدرسه ای که دیوید در آن بکار مشغول بود تقاضا کرد تا بعضی از نوجوانان خطا کار مقیم بازداشتگاه روزها به مدرسه آنها بروند و به کار تدریس بچه های کم سن و سال تراز خود بپردازند. ریسک بزرگی بود ولی رئیس مدرسه با آن موافقت کرد. یک روز دو پسر شانزده ساله همراه با گارد محافظت به مدرسه آمدند و مدت چهل دقیقه به شاگردان کلاس اول و دوم درس دادند. سپس مجدداً به بازداشتگاه مراجعت کردند. بعد از مدتی هفته ای سه بار به مدرسه آمدند و به کار تدریس پرداختند. مدتی بعد، پنج نوجوان هر صبح بدون گارد محافظ به مدرسه می آمدند و تمام صبح تا ظهر را به بچه هادرس می دادند. دیوید درباره این تجربه می گوید: «این معلم های نوجوان چنان به کار خود عشق می ورزیدند که یک روز در حالیکه بیرون مثل سیل باران می بارید، پای پیاده به مدرسه آمدند، سر تا پایشان خیس آب شده بود ولی بی اعتنا به این نکته کار خود را آغاز کردند. با کمک کردن به دیگران اعتماد بنفوس پیدا کرده، عقده های حقارتشان به تدریج از میان رفت. شاید بسیاری از نوجوانانی که مرتکب خلاف می شوند و کارشان به بازداشتگاه می کشد بر اثر داشتن مشکلات در فراگیری درسی عصبان می کنند و به راههای نادرست می روند و احتمال دارد با پیروی از این تکنیک بتوان راه تجاتی برای این نوجوانان پیدا کرد».

داشته اند به دعوت او و به اتفاق خودش برای بازی هاکی رفته اند.

در گوشه ای از کلاسش هم یک باغ وحش مینیاتور دارد. او برای تشویق بچه ها و تقویت اعتماد بنفوسشان تدریس در هوای آزاد را پایه گذاری کرده. علوم طبیعی رادروهای آزاد تدریس می کند و گاهی هم به آنها کارهای دشواری می آموزد و تشویقشان می کند که نگاه بگاز ریسک های حساب شده بکنند، به این ترتیب اعتماد بنفوس کودک تقویت می شود. سازمان پیشاهنگی امریکا جایزه «بهترین مربی پیشاهنگی سال» را به دیوید داده است.

«دیوید» از بکار بردن عناوین آزار دهنده، در مورد کودکانی که مشکل در فراگیری درسی دارند، خودداری می کند زیرا معتقد است که این عمل کودک را دچار عقده حقارت می کند: «هر کسی مسئله ای دارد که فراگیری درسیش را دچار اشکال می سازد، یک نفر حافظه خوب ندارد، دیگری دید ضعیف دارد و غیره و غیره... بهرحال بسیاری از این اطفال از نظر «آی - کیو» یعنی میزان متوسط هوش مافوق عادی هستند و بسیار با استعداد. «آلبرت اینشتین» و «ادیسون» هم در فراگیری درسی دچار اشکال بودند. من کودکی را که در این زمینه دچار مسئله است می شناسم که یک تست علوم را با بالاترین نمره گذراند، در همان تست من که یک آموزگار هستم نمره قبولی نیاوردم. مسئله آن شاگرد کمبود اعتماد بنفوس است».

«دیوید لیزرمان» جوانی که شاهد تجدید حیات یهودیت در وجود خود بوده است ده هاپروژه جالب و هیجان انگیز در پیش دارد. پروژه هایی از این قبیل:

- اخذ درجه دکترای
- تأسیس مدرسه خودش برای نوجوانانی که دارای مشکلات در فراگیری درسی هستند (در این زمینه مشوقین متعددی دارد).
- تعلیم دروس مختلف به شاگردان، باروشهای بسیار نوین.
- به رشته تحریر آوردن کتابی تحت عنوان «بوفالو، شهری با همسایه های خوب».
- نوشتن کتاب دیگری تحت عنوان «بهترین راه تعلیم کودکانی که دچار مشکل در فراگیری درسی هستند».
- نوشتن کتاب دیگری با مجموعه ای از پنجاه داستان که بر اساس کارش با شاگردانش نوشته خواهد شد.
- تهیه یک صفحه جالب از آهنگ هایی که به اتفاق خانواده و دوستانش ضبط و اجراء خواهد کرد.
- جالبتر از همه اینکه «دیوید» خیال دارد با زیرک یکی از تیم های مشهور فوتبال بشود و بهمین دلیل هر روز مشغول دویدن و تمرین های ورزشی است.
- در زمینه هدف های متعددی می گوید: «من معتقدم که هر کس باید با امیدواری و پشتکار برای عملی کردن رؤیاهایش بکوشد. بعضی افراد از ریسک کردن وحشت دارند، چنین افرادی شاید برایشان بهتر باشد که تمام روز در بستر بمانند. بعقیده من حتی اگر احتمال داشته باشد که در تلاش خود موفق نشوید باز بهتر است که حداقل کوشش خود را بکار ببرید. زندگی یعنی همین، تلاش به امید موفقیت».
- ترجمه و تنظیم از: گیتی بروخیم (سیمانتوب)

زندگی «دیوید» در تعلیم و تربیت و تدریس خلاصه می شود. اگر چه به کارهای دیگری هم علاقه منداست اما تمام آن کارها برای موفقیتش در زمینه تدریس به کار گرفته می شوند. به عقیده او کلیه موفقیت در امر تدریس «تحرك و ابتكار» است: «وقتی کار تدریس را آغاز کردم با خود عهد کردم به سبک معلم های خودم کار نکنم. آنها کارشان بقدری یکنواخت و فاقد تحرك بود که حوصله بچه ها بکلی سر می رفت. من از یهودیت روگردان شدم، چون روش معلم ها بسیار کسالت آور بود و دیگر اینکه به آنچه که خودشان به ما تعلیم می دادند عمل نمی کردند».

«دیوید» برای اینکه کلاسش زنده و پرهیجان باشد دست به هر کاری می زند، از جیب خودش برای بچه هایی که خوب درس می خوانند یا کار خوبی انجام می دهند جایزه می خرد، بسیاری از بچه هایی که پیشرفت درسی



دکتر آونر منظور

جراح متخصص بیماری های
زنان، زایمان و نازائی از امریکا

عضو کالج متخصصین بیماری های زنان
وزایمان امریکا

عضو کادر پزشکی بیمارستان
سیدر ساینای

Ceder Sinai Medical Offices
Suite 440 East

8631 W. 3rd St.
Los Angeles, CA 90048

Tel: (213) 855-7071

دکتر جمشید بهار ور

Dr. Baharvar

Internal Medicine and
Geriatrics

متخصص امراض داخلی

چک آپ عمومی

St. John's Medical Tower
2001 Santa Monica Blvd., Suite 980
Santa Monica, Ca 90404

(۲۱۳) ۸۲۸-۷۳۴۱

دکتر ژاک بهفرین

متخصص زنان و زایمان از امریکا
دارای فوق تخصص نازائی و غدد از امریکا

انتقال مطب خود را به 6317

نزدیک ساختمان
Wilshire Blvd.,

JEWISH FEDERATION

به اطلاع هموطنان و همکیشان می رساند

تلفن ۶۵۱-۵۵۴۲

پذیرایی باتمین وقت قبلی

وکیل در امور مهاجرت

Aron Hasson

دفتر در وست وود

10850 Wilshire Blvd., Suite 800
Los Angeles, CA 90024

(213) 475-4779

دکتر پرویز پیرنظر



متخصص بیماریهای زنان و زایمان

10921 Wilshire Blvd, Suite 1110
(Westwood Medical Plaza)
Los Angeles, Ca. 90024
Tel: (213) 824-0049

شرکت ساختمانی ابکو

به مدیریت مهندس فریدون بهفرین

آمادگی خود را برای مشارکت در زمین شما
و اجرای پروژه های ساختمانی شما
اعلام می دارد

ABCO Builders Corp.
8500 Wilshire Blvd., No. 923
Beverly Hills, CA 90211

Tel: (213) 659-7070

Nationwide Tax Consultants INC.

JOSEPH BOODAIE B.S., M.B.A.
Tax Consultant

یوسف بودائی

مشاور امور مالیاتی و حسابداری

افتتاح دفتر جدید رابه اطلاع می رساند

16311 Ventura Blvd.
West Coast Bank, ساختمان:
Suite 640
Encino, CA 91436
(818) 789-6969

دفتر مرکزی (انسینو)

10850 Wilshire Blvd. دفتر وست وود
Suite 800
Los Angeles, CA 90024

(213) 470-0111



آیا جسد مومیایی شده

یوسف بن یعقوب

در مصر کشف شده است؟

احمد عثمان محقق و باستان شناس مصری مدعی است که در لوکسور موفق به کشف جسد مومیایی شده یوسف بن یعقوب (اسرائیل) شده و وعده می دهد بزودی اطلاعات جامعی در اطراف این مطلب از طریق هفته نامه معروف اکبر چاپ قاهره به سردبیری انیس منصور در اختیار علاقه مندان آثار باستانی و تاریخی قرار خواهد داد.

باستان شناس مصری می گوید: جسد مومیایی شده مذکور به موزه ملی قاهر انتقال یافته که تورست های اسرائیلی عموماً علاقه فراوانی بدیدار آنجا از خود نشان می دهند.

اسناد و مدارک و شواهدی که احمد عثمان به منظور اثبات ادعای خود ارائه می دهد موجب حیرت بسیار علاقه مندان تاریخ قوم بنی اسرائیل شده و معتقدان به یهودیت از خود می پرسند: آیا این جسد مومیایی شده از یوسف شخصیت تاریخی و باستانی یهوداست؟

کاشف هم چنین مدعی است که سالیان بسیار در اطراف چگونگی ورود یهودیان به مصر و زمانی که حضرت موسی موفق به خارج نمودن آنان از سرزمین فراعنه

گردید مطالعه و تحقیق بعمل آورده و به این نتیجه رسیده که یوسف اولین خود از بنی اسرائیل بشمار می آید که بوسیله برادرانش بکاروانان مصری فروخته شده و به همراه آنان وارد مصر علیا شده است و می افزاید:

۱- یکی از دلایلی که هویت جسد را اثبات می کند ترکیبی از دو حرف واوو ی است که از کلمات مقدس قوم و درعین حال مخفف نام یوسف است.

۲- طرح و ترکیب بندی اجزاء صورت و مهمتر از آن برجستگی و بالا بودن استخوان گونه هانشان می دهد که او هیچ گونه شباهتی با مصریان آن زمان نداشته است.

۳- نقوش سبزرنگ هفت رأس گاو در کنار جسد مومیایی شده معرف خواب فرعون و تعبیر مشهور یوسف در ارتباط با سالهای هفت فراوانی و سپس هفت سال قحطی است.

۴- سن جسد مومیایی شده با زمان وفات بوده آزاد شده مطابقت دارد.

۵- قرار گرفتن یک کالسکه کوچک طلایی با آدم سلطنتی و طوق طلا در مقبره هدیه و نشان افتخاری است که از طرف فرعون به پاس خدمات یوسف به وی

واگذار شده و پس از مرگ نیز در کنار جسد قرار داده شده.

۶- در مقبره یوسف هم چنین کتابی با مقدمه مربوط به دوازده دروازه بدست آمده در حالیکه رسوم مصریان عموماً رسم و نقش ۴۸ دروازه بوده و با توجه به این سند احمد عثمان معتقد است عدد ۱۲ در اینجا در واقع معرف دوازده فرزند یوسف است و با تعبیرات ساده تر دوازده طایفه اسرائیل است که در مصر ماندند و بسبب آنکه فرعون بعد از یوسف ستمی برای آنها قایل نبوده تدریجاً به بردگی مصریان آمدند.

در خاتمه این شرح مختصر باستان شناس مصری برواقعی اشاره می کند که بر طبق آن عده ای از مصریان معتقدند اخناتون یکی از فرعونان مصر فرزند یوسف و اولین فرعون است که ایمان بخدای یگانه آورد.

شوفاز: هرگونه اطلاع بعدی در مورد کشف در باستان شناسی مصر بدست ما برسد در شماره های آینده به اطلاع خوانندگان گرامی مجله خواهد رسید.

راه پیمایی یهودیان

می از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر در محل رانچوی پارک واقع در پیکو بولوار برگزار می گردد.

بطوریکه اطلاع حاصل شده است، یازدهمین راه پیمایی سالانه اجتماع یهودیان لوس آنجلس بزرگ به مناسبت سی و ششمین سالگرد استقلال اسرائیل در روز یکشنبه ۲۰

توضیح

در صفحه ۹ شماره قبل شوفاز در آگهی تحت عنوان «تشکر از دو وکیل عالیقدر و انسان دوست»، نام آقای الیاهو داداش حکیمی اشتباهاً داداش حکیمی چاپ شده بود که بدینوسیله تصحیح می گردد.

د کتر بهرام کشفیان

دندانپزشک

Bahram Kashfian D.M.D.
Prosthodontist

CENTURY MEDICAL PLAZA
2080 CENTURY PARK EAST,
SUITE 507
CENTURY CITY
TEL: (213) 553-1578

پذیرائی باتمین وقت قبل

اولین دولت یهودی قبل از استقلال اسرائیل

مبالغ زیادی اعانه و کمک مالی برای اسپانیولی ها و پرتغالی های یهودی مقیم نیویورک و بندر جدید آر.ای. برای احداث کنیساها و جدید فرستادند. در این کنیساها همه ساله ایام کیپور و پسخ مراسم شکرگزاری و تشکر نسبت به یهودیان برزیلی الاصل سوری نام یا «جودن ساوانا» برگزار می شود درحالیکه آخرین یهودی های مقیم این منطقه جنگلی سوری نام رادرسال ۱۸۲۶ ترک نمودند و در پاراماریو رحل اقامت گزیدند.

طبق مقاله ای که دروال استریت جورنال درهفتم دسامبر گذشته انتشار یافت از تشکیل یک دولت یهودی در «سوری نام» یاد شده است. دولت سوری نام با همکاری برزیل و با موافقت دولت متحده امریکا بوجود آمده بود که مطلب مربوط به آن فوق العاده توجه خوانندگان را بخود جلب نمود. طبق تحقیقاتی که بعمل آمده سه دولت امریکا، برزیل و سوری نام در قرن های گذشته روابط بسیار نزدیکی بایکدیگر داشته اند. تشکیل این دولت یهودی سوری نام در قرن ۱۷ توسط یهودیان برزیلی که از آزار و شکنجه و فشارهای غیرقابل تحمل پرتغالیها در ۱۶۵۴ فرار را برقرار ترجیح داده بودند تشکیل شد. این دولت پس از انقراض دولت اسرائیل و خرابی بیت المقدس در سال ۷۰ بعد از وفات حضرت عیسی اولین دولت یهودی بود که بوجود می آمد. این مملکت «جودن ساوانا» و بزبان عبری «عیرسورینام» نامیده شده بود. این دولت ارتشی مستقل و دستگاه قضائی و ادارات مختلف در جوار کنیساها بزرگ و مجلل آن برقرار ساخته بود. خرابه های این مملکت یهودی راهمراه با تعداد زیادی از مقبره های مجلل آن اخیراً مرمت نموده اند و سیاحان و علاقه مندان می توانند برای دیدن بقایای این دولت یهودی به جنگلی که در جنوب پاراماریو واقع است بروند. یهودیان این شهر

د کتر ژاله ما کابی (منصوری)

دندانپزشک

در منطقه ولی

Warner Victory Medical Center
6325 Topanga Canyon Blvd.
No. 326
Woodland Hills, CA 91367
(213) 340-8202

تلفن ۲۴ ساعته ۰۹۱۹-۷۱۰-
بیمه های درمانی پذیرفته می شوند

بلیط هواپیما با تخفیف

به نیویورک، شیکاگو، میامی،
هاوایی و سایر سفرهای داخلی

مکزیکو، پورتوریکو، استرالیا، نیوزیلند،
خاور دور و خاور میانه

برای خرید بلیط باید
۲ هفته قبل از سفر اقدام کنید

تلفن: ۵۵۲-۰۵۶۱



سیف وی

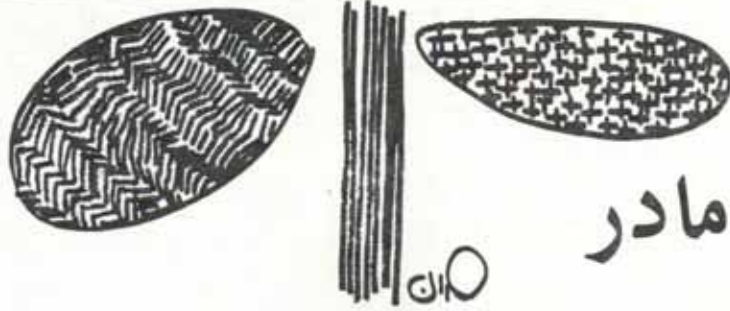
یکی از بزرگترین و با سابقه ترین مدارس رانندگی
کالیفرنیا با مدیریت داریوش صدیق
در خدمت هم وطنان عزیز می باشد.

برای دریافت بروشورهای مجانی با ما تماس حاصل فرمایید.

تلفن ۳۰۱۱-۶۹۸ (۲۱۳)

رفت و آمد به خانه شما مجانی است

پدریامادر



در جریان اختلافات خانوادگی وجدایی والدین بیشتر مواقع مشکل مهم و نسبتاً غیر قابل حل مشکل فرزند یا فرزندان است که باید به کدامیک از والدین تعلق بگیرد.

والدین، وکلاء، وحتی قاضیان صلاحیت والدین را حائز اهمیت فوق العاده قرار داده و بر این عقیده اند که قضاوت صحیح، قضاوتی است که طفل را به پدریامادری که دارای صلاحیت بیشتری است بسپارد. اما باید در نظر داشت که متأسفانه «داشتن صلاحیت» در این میان نقش کوچکی را بیشتر بازی نمی کند. خدا، طبیعت، و اجتماع طوری به والدین شایستگی حفظ و حراست طفل راداده است که بندرت می توان والدینی ریافت که قابلیت نگهداری طفل خود را نداشته باشند. نکته قابل تذکر این است که در برخی موارد مسأله صلاحیت نگهداری از طفل اهمیت قابل ملاحظه ای پیدا می کند و آن هنگامی است که سابقه یکی از والدین نمایانگر قضاوت های ناروا در مورد طفل می باشد (نه برخی اوقات اشتباه در قضاوت) و شخص مزبور واقعیت حقیقی زندگی را بکلی فراموش کرده و به انحراف کشیده شده باشد و طفل خود را در معرض خطر قرار دهد و یا با اثبات آزمایش های مختلف به ثبوت برسد که شخص مزبور قادر به تأمین احتیاجات واقعی طفل خود نیست. در این حال قضاوت طفل را از چنین شخصی جدا کرده و او را به طرف مورد اعتماد خواهند سپرد.

سؤال دیگری که معمولاً در جریان این اختلافات پیش می آید و جواب آنرا به آسانی نمی توان داد این است که «طفل به کدامیک از والدین خود علاقه بیشتری دارد».

هیچگونه معیار و رابطه دقیقی وجود ندارد که بتوان علاقه طفل را نسبت به والدین خود سنجید اما متأسفانه بسیاری از قاضیان وحتی روانشناسان از طفل چنین می پرسند «نزد کدامیک از والدین خود می خواهی زندگی کنی؟»

اینگونه مستقیم سؤال کردن از طفل، جزایجاد صدمه روانی بر او فایده دیگری ندارد. مسلم است که طفل هر دو والدین خود را دوست دارد و ترجیح دادن یکی بر دیگری برای او نه تنها آسان

نبوده بلکه بسیار دشوار هم خواهد بود. باید به این مهم اشاره گردد که «اینکه هر دو والدین شایستگی و قابلیت نگهداری طفل خود را دارند شکی نیست» مسأله، خصوصیات خلقی و روانی طفل است که باید در میان این جنگ وجدال به آن اهمیت داد. در اینجا مسأله صلاحیت والدین مطرح نیست بلکه مسأله احتیاج روانی طفل مطرح است. و طفل باید به آن کسی سپرده شود که نسبت به او تعلق خاطر بیشتر و ارتباط روانی محکم تری دارد.

این یک رابطه روانی بین فرزند و والدین است که به طفل احساس تعلق به آنها را می دهد و این احساس تعلق است که روابطه فرزند و والدین را ارزش می سازد. اگر این رابطه روانی بهم بخورد («سپردن طفل نزدیکی از والدین که طفل ارتباط روانی کمتری با او دارد» خود می توان تصور کرد که طفل این نقصان را چگونه تحمل خواهد کرد. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن استثنای مختصری، باید طفل را به پدر و یامادری سپرد که بین آنها بیشترین رابطه روانی وجود دارد و طفل نزد او آرامش روانی بیشتری را کسب خواهد نمود.

استثنا در کجا خواهد بود اگر مستقیماً از طفل سؤال کنیم که به کدامیک از والدین خود علاقه بیشتری دارد؟ باید توجه داشت که بیشتر اطفال خود را مسئول جدایی والدینشان دانسته و احساس مسئولیت در مورد اقدام آنها را می نمایند. بیشتر آنها را در فشار قرار دادن و از آنها سؤال را پرسیدن که حتی والدین آنها و سیستم قضایی به آسانی قادر به جواب دادن آن نمی باشند، شرط عقل نیست. از جانب دیگر طفل در جریان این اختلافات، این بیم را دارد که اگر او یکی از والدین را برگزیند آن دیگری او را برای همیشه ترک گوید «عیناً همانطور که والدینش دارند یکدیگر را ترک می کنند».

مشکل موقعی پیچیده تری می شود که طفل به عللی جواب دروغ بدهد. مثلاً موقعی که یکی از والدین بگوید «اگر من ترا از دست بدهم خواهم مرد» یا «این مسأله که اگر بچه ام را از دست بدهم مرا خواهد کشت» و یا «من نمی دانم چه بر سرم خواهد آمد اگر بچه ام را از دست بدهم»

در این مورد طفل تصویری کند که شخص مزبور به او احتیاج داشته و بدون او در خطر مرگ قرار خواهد گرفت. اگر در این حالت از طفل سؤال شود بچه کسی می خواهد زندگی کند؟ طفل برای نجات دادن پدریامادر خود ممکن است به دروغ متوسل شود و طرف ضعیف تر (از نظر طفل) را انتخاب کند. علاوه بر آن تنها یک سؤال برای سنجیدن وابستگی طفل بیکی از والدین کافی بنظر نمی رسد. تصویرنمایید اگر این سؤال در موقعی مطرح شود که طفل به عللی بایکی از والدینش مختصر گفتگویی داشته است شانس برنده شدن طرف دیگر چقدر خواهد بود؟ پس چگونه می توان وابستگی بیشتر روانی طفل را بیکی از والدینش سنجید؟

همانطور که قبلاً هم اشاره شد هیچگونه معیار دقیقی برای این منظور وجود ندارد اما تست های روانی بخصوصی در این مورد تنظیم گشته است و سوالاتی در موارد گوناگون (احساسات طفل، اعتماد، امنیت و خصوصت) از طفل بعمل می آید و برای اطمینان کامل از اینکه طفل تحت تاثیر وجود پدر و یامادر در موقع آزمایش قرار نگیرد، این آزمایش در دو قسمت و در دو روز انجام می گیرد در این حال طفل یکروز با مادر و دیگر روز را با پدرش خواهد بود و به سوالات که به صورت بازیهای مختلف تنظیم شده است جواب می دهد که در زیر به مختصری از آنها اشاره می شود.

«دلت می خواهد چه کسی با تو در این بازی همکاری کند؟ بچه کسی دلت می خواهد صبحانه خود را صرف کنی؟»
 «حدس بزن اگر به زمین بخوری و صدمه ببینی چه کسی به کمک تو خواهد شتافت؟»
 «حدس بزن اگر در نیمه شب بیدار شوی چه کسی می خواهی نزد تو بیاید؟»
 «حدس بزن چه کسی ترا بیشتر دوست دارد حتی اگر با او دعوی کرده باشی؟»
 «حدس بزن موقعی که کار بدی می کنی چه کسی بیشتر تو را بخاش می کند؟»

در بیشتر اوقات این تست هانشان می دهد که طفل به پدر و والدین خود وابسته است اما این وابستگی نسبت بیکی از این دو بیشتر و مستحکم تر است.

اطلاعات بدست آمده از تست های مذکور و همچنین اطلاعات کسب شده از تست های استاندارد شده روانی و ملاقات های متعدد با اطفال و والدین آنها این فرصت را به دادگاههای اختلاف خانوادگی داده است تا در مورد تأمین آینده اطفال خانواده های گسیخته شده اقدامات کافی مبذول دارند وحتی الامکان شخص با صلاحیتی (از نظر ارتباط روانی) را برای طفل برگزینند.

در شماره های آینده شوفار به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۳- خواننده با وفا و صاحب قلم شوفار،
ادموند بنارش، ضمیمه نامه ای پراز لطف نسبت
به نشریه و قطعه چکی بعنوان حق اشتراک ارسال
داشته و مقاله ای هم بمناسبت سی و ششمین
سالگرد اعلام استقلال اسرائیل فرستاده اند که آن
جداگانه در همین شماره بچاپ رسیده است.

۴- دوست ارجمند و خواننده نکت
سج شوفار نعمت الله دل افرازی نامی ای
از نیویورک با اشاره به مطلب مندرجه در صفحه
مربوط به وقایع تاریخی و مذهبی یهود شماره
فوریه شوفار توضیح داده اند که در دوران تسلس
۱۹ ساله تقویم عبری سالهای سوم و ششم و هشتم
و یازدهم و چهاردهم و هفدهم و نوزدهم کیسه می
باشند و آن سالها سیزده ماهه و آردوم دارد.

۵- ژوزف کهن مطالبی تحت عنوان
«سلطان عالم بخواب نمی رود» در باره پیرویم
ارسال داشته اند که چون موعد آن سپری شده
از درج آن معذوریم. ولی امیدواریم به همکاری
خود با ما ادامه دهند.

۶- از خواننده وفادار آقای عزیزالله جواهری
که مرتباً برای ما مطالبی در باره مسایل مختلف
اجتماعی و تاریخی ارسال می دارند سپاسگزاریم
و امیدواریم در فرصت های مناسب قسمت هایی
از نوشته ها و ترجمه های ایشان را در شوفار
منتشر کنیم.

۷- خانم نصرت ساقیان بازم اثری از طبع
خود را برای نشریه ارسال داشته اند که مطلع آن
چنین است:

«ماه فروردین خجسته ماه نوروزی بود
عید نوروز کنون کی مثل دیروزی بود»
خواننده گرامی آقای منصور هارونی طی نامه
ای محبت آمیز در مورد مطالب مندرجه در شوفار
شرحی نوشته و تذکر شده اند که نوشتن بعضی
مطالب در باره فلسفه های جدید مذهب یهود
احتمالاً ممکن است باعث گمراهی بعضی
از افراد که فاقد مطالعات کافی و عمیق در باره
مسایل مذهبی می باشند گردد.

شوفار: ما معتقدیم که چنانچه افراد با افکار
و نظریات مختلف فلسفی و مذهبی قدیم و جدید
بهتر آشنا شوند مبانی مذهبی آنها محکمتر
و بر بنیادی صحیح تر استوار خواهد شد و از نفوذ
افکار فاسد و تحریف شده کسانی که بانقشه های
قبیلی در پی گمراهی افراد جامعه مامی باشند
جلوگیری بعمل خواهد آمد.



ما و شما

دوستان عزیز:

• توجه داشته باشید که در این صفحه تنهاتر نظرات و نامه های اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن دقیقاً ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.
تلفن تحریریه شوفار ۶۵۵-۷۷۳۰ (۲۱۳) است و آدرس ما پشت مجله چاپ شده است ■



قابل توجه خوانندگان

دوستانی که در نهایت لطف و مرحمت برای شوفار
مطلب و مقاله می فرستند لطفاً باین نکات توجه
فرمایند:

- از هر دوروی کاغذ برای نوشتن استفاده نکنید.
یک روی آنرا خالی بگذارید.
- یک خط در میان بنویسید.
- لطفاً خوش خط و خوانا مرقوم بفرمائید و در صورت
امکان مطلب را تایپ کنید.
- مقالات و مطالبی که به دفتر هیأت تحریریه می
رسد متعلق به شوفار خواهند بود و در صورت لزوم
تصحیح و تلخیص می شوند. اصل مطالب به
صاحبان آنان مسترد نمی گردد. بهمین علت
بهتر است فتوکپی نوشته خودتان را برای ما بفرستید.
از چاپ مطالبی که با اهداف کلی نشریه و موازین
واصول مورد قبول هیأت تحریریه مغایرت داشته باشد
معذوریم.

کسانی که مایل نیستند نوشته هایشان مورد جرح
و تمذیب و تلخیص یا تصحیح قرار بگیرد این نکته
را در نامه خود تذکر بدهند. در صورتیکه انجام این
تقاضا امکان پذیر نباشد از چاپ مطلب خودداری
خواهد شد.



۲- خانم پیمان طی
نامه مفصلی با اشاره به

مسئله «مشکلات معاشرت جوانان یهودی»
مطالبی در باره تجربه شخصی خودشان نسبت به
آموزش مسایل مذهبی بیان داشته و نوشته اند که
چنانچه فرزند رادار کودکی بحال خود رها کنند
تا در بزرگی خود شخصاً مسیر فکری اش را تعیین
نماید ارجح می باشد. معذراً ایشان اضافه نموده
اند که این تجربه نتیجه اش دوری فرزندشان،
در سن بلوغ، از مسایل مذهبی و بی تفاوتی وی
نسبت به ماورای عقیدتی بوده است. در این باره



داوید بن گوریون، بنیادگذار کشور اسرائیل

اعلامیه استقلال اسرائیل

داشتند که از تشکیل دولت اسرائیل جلوگیری خواهند کرد. با وجود این انگلیس ها رسماً اعلام کردند که نظارت آنها بر فلسطین نیمه شب ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ به پایان خواهد رسید درحالیکه «هگانا» نیروی دفاع پنهانی اسرائیل خود را برای جنگ های غیرقابل اجتناب با اعراب آماده می کرد.

اعلامیه استقلال اسرائیل در آخرین ساعات نظارت انگلستان بر فلسطین صادر شد. طی آن پیوستگی تاریخی قوم یهود با سرزمین اسرائیل تاکید و اطمینان داده شده که حکومت جدید اسرائیل بر اساس اصول آزادی - عدالت و صلح همانطوریکه از طرف پیامبران یهود عنوان شده استوار خواهد بود.

بین افرادی که اعلامیه استقلال اسرائیل را امضاء کرده اند بن گوریون نخستین نخست وزیر اسرائیل - ایزاک بن زوی و گلدا مایر که بعداً به ترتیب به مقام های ریاست جمهوری و نخست وزیری رسیدند را باید نام برد.

اعلامیه استقلال در ابتدا مهر نشده بود و فقط دو ماه بعد یک ستاره شش پر دواد نقش بر روی لاک سرخ بعنوان مهر رسمی به زیر اعلامیه الصاق شده است.

ستاره داود بعنوان علامت نهضت صیونیست و نشانه همبستگی قوم یهود شناخته شده و بر پرچم پرافتخار اسرائیل نیز نقش بسته است. نوشته: ادموند بنارش

بعد از ظهر روز چهاردهم ماه مه ۱۹۴۸ اعلامیه تشکیل دولت اسرائیل در اجتماع رهبران یهودی فلسطین در موزه تل آو توسط دیوید بن گوریون قرائت شد. این اعلامیه تاریخی نهضت جدید صیونیسم را به نتیجه رسانید.

فلسطین پس از جنگ بین الملل اول تحت حمایت دولت انگلستان بود درحالیکه قبل از آن طبق اعلامیه سال ۱۹۱۷ بالقور دولت انگلستان از سکونت یهودیان در فلسطین رسماً پشتیبانی کرده بود و سکونت ملت یهود در فلسطین بین جنگ اول و دوم جهانی در میان بهت و آشفتگی ملل عرب به نحو چشمگیری انجام می گرفت.

بن گوریون یک مهاجر لهستانی الاصل از روسیه در سال ۱۹۳۵ رئیس کل آژانس یهود بود و رسماً اعلام کرد که تنها یک دولت مستقل یهودی می تواند منافع ملت یهود را حفظ کند.

دولت کارگر انگلستان به ریاست آتلی که قادر به برقراری صلح بین اعراب و یهودیان نبود مسأله را به سازمان ملل متحد ارجاع نمود و یک کمیسیون ویژه سازمان ملل تقسیم فلسطین را به دو دولت یهود و عرب توصیه کرد درحالی که اورشلیم همچنان زیر نظر سازمان ملل باقی بماند. این پیشنهاد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد ولی اعراب اعلام

آقای نورالله طبیب نیا از نیویورک طی نامه مبسوطی ضمن تشویق دست بقلم های شوفار، تکمله ای بر نوشته «نامه ای از آن دنیا» اثر ص. ابراهیمی نوشته اند که قسمت هایی از آن ذیلاً نقل می شود. اما قبل از پرداختن به این امر، چون قدرت نویسندگی این خواننده عزیز ما قابل توجه است و از ایشان درخواست همکاریهای آتی داریم، توضیح چند نکته ضروری است. برای ما اعضای شورای نویسندگان، اینکه آثار نویسندگان تا این حد تاثیر گذار است، مایه نهایت سرافرازی است. آنچه در مقاله مورد پسند شما مطرح شده، تحلیل گفته های شماست باز بانی طنز آمیز. تفاوت نوشته شما با «نامه ای از آن دنیا» این است که شما از روبرو بر چهره ناپاکان شلاق می کشید و نویسنده ما از پشت یا شاید از آن دنیا. تفاوت این دوروش نقد اجتماعی این است که، ضربه شما، چون از روبرو است، به برش هایی از جامعه که مشمول این انتقاد هستند این فرصت را می دهد که به اصطلاح عوام «جا خالی کنند» و «شلاقی نشوند». حال آنکه نویسنده، شلاق را از پشت سر، چون ماری کاری، بگرد گردن اینان انداخته است. برای ما با زهم مطلب بفرستید. با این توصیه دوستانه که در تمام متن هر نوشته یک خط فکری را دنبال کنید سعی بفرمایید قلمتان از مسیر تعیین شده خارج نشود. اینهم قسمت هایی از نامه شما:

«... اجازه بفرمایید بعرض برسانم که نتیجه داستان روایی شما این است که برای کودلان تار سیدن به جهنم سه هزار پله که هیچ یک پله هم بیشتر فاصله نیست.»

«... بنده معتقدم چنانچه در طی سال کلیه روزهای شبات را کنسپرویم و سایر فرائض مذهبی را هم ظاهراً بجای آوریم و به تفیلاً و نماز و دعا پرداخته و حتی بجای یکی دو روز در سال چندین روز هم بگیریم و دهها هزار تومان یاد لار هم به صندوقهای خیریه بریزیم، مادام که قلبمان را به نور خدا منور نسازیم و روحمان را آنطور که شایسته و بایسته است صیقل ندهیم، کمترین ارزشی برای خدا ندارد.»

«... اطمینان می دهم که من و شما بابیان این حقایق قصد حسرت بردن بزندگی بزرگی هیلز نشین ها و گریت نک نشین ها را نداشته و نداریم.»

«... کافی است از تعدادی یهودی ایرانی بپرسید ده فرمان را برایتان بیان کنند. خواهید دید که از هر یکصد نفر شاید فقط یک نفر به آنها وقوف داشته باشد.»

اطلاعیه

منظومه تجلیل از خدمات برجسته فرهنگی :

دکتر حبیب لوی

مؤلف مجلدات «تاریخ یهود ایران» و کتاب «احکام و مقررات حضرت موسی علیه السلام از مسافت
۳ تا ۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۰ خرداد ۵۷۴۴ مطبوعه ۲۲ آوریل ۱۹۸۴ مجلس دانشی زیر پرزوار میگردد.

در این مجلس شخصیتهای عالیقدر علمی، اساتید و محققین دانشگاه از جمله پروفسور آمنون بنصر (از دانشگاه بری) در شیم،

دکتر شاعول نتجاش (از دانشگاه پرتون)، با ایراد سخن در مقام ترسیم نقش مؤثری که ایرانیان یهودی

در زمینه های فرهنگ، ادب، موسیقی و علوم طی ۲۵ قرن امکان در کشور ایران بازمی

کرده اند بر خواهند آمد.

سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی - کالیفرنیا

درد و بار غموم آزاد

Sephardic Temple Tifereth Israel

10500 Wilshire Boulevard, Los Angeles, CA. 90024

«پیچک ظریف جوانی...»

عصای محکم پیری»

گریه امانش نمی داد که حرفش را بزنند هر چند که احتیاج به توضیح نبود و در دلش رامی دانستم اما برای دلداریش چیزی برای گفتن نداشتم. آخر وقتی که خود معتدبه سخنی نیست چگونه می توانم بعنوان نصیحت آنرا بخورد دیگری دهم. تنها کاری که از دستم برمی آمد این بود که بگذارم اشک بریزد و درد دل کند تا راحت شود.

شهر ۴۸ ساله اش اختیار خود و زندگی را بدست مادر و خواهرش داده است و شده عین عروسک خیمه شب بازی که نخ آنرا در خفا این دوشیزان به حرکت درمی آورند. سپس ادامه داد که خواهرش شوهر من با اینکه شوهر گردن کلفتی بالای سردارد تمام ناز و غمزه و ادا و اطوارش را گذاشته برای برادرش و تنها در بستر زناشویی با من کوس رقابت و شراکت نمی زند! از مادر شوهرم هم بهتر است که حرفی نزنم چون چنان «بچه بزرگ کرده ام»، «اشک چشم ریخته ام تا قد سروش را آبیاری کرده ام» می گوید که تمام بانک های دنیا هم برای پرداختن دیونش کافی نیستند.

خلاصه این دوتا شده اند سناریست و کارگردانان نمایشنامه مسخره ای بنام زندگی زناشویی بنده و من ابداً اجازه سانسور و یا اظهار نظر ندارم چون شوهرم می گوید: حالا صبر کن. نوبت تو هم می رسد. تو هم داری پسر بزرگ می کنی و قول می دهم که بعد ها همینطور خواهی بود. و بدبختی اینجا است که حرف چندان نامربوطی هم نمی زند چرا که من دلخوشی و محبتی را که از شوهر ندیده ام در پسرم انباشته ام و مطمئن باش در آینده تافروستی بدستم آید بزور هم که شده از این ذخیره بهره برداری خواهم کرد و خود جانشین مادر شوهری خواهم شد که روزی از او انتقاد کرده و یا منتفر بودم. و این رشته سردراز خواهد داشت.

در اینجا سکوتی کرد و گفت تو هم بیهوده سعی نکن که از این مقوله، مقاله سازی ها! دیدی آن دفعه دو کلمه از «حق انسان بودن زن یهودی» حرف زدی چطور شستند و گذاشتند کنار! گفتم شاید تو یا امثال تو اینطور فکر کنند اما همه این جواب ها در حقیقت تایید ناخود آگاه حرف من بود. نشنیده ای که میگویند چوب را که برمی داری گریه دزده فراری کند. و انگهی حرف را باید گفت و گزته شنیدی در کار نخواهد بود! البته من نه تنها محبت مادری را اتکار نمی کنم

بالعکس با اطمینان را سخ معتقد که هیچکس و هیچ چیز نمی تواند پاسخ این همه محبت و جانباازی و فداکاری را بدهد. و بهتر است که یک مادر به همین هیچکس و هیچ چیز نیندیشد تا هم خود و همه فرزندانش بدور از دنیای دادوستد و ایجاب و وظیفه رابطه سالمی بر اساس محبت داشته باشند.

فرزند موجودی است که برخلاف خواسته خود و بدون اینکه نقشی در این انتخاب داشته باشد بدنی آمده و باعث و بانی ورود او به این دنیا مردوزنی هستند که از روی عشق، یا با خاطر کسب لذت و یا طبق خواسته طبیعت و برای راز بقا هر چه که می خواهند نامش را بگذارید (چون در اصل قضیه فرقی نمی کند) - با وحیات بخشیده آند و بالطبع بحکم طبیعت چون موجود ظریف و بی دفاعی را خود به این دنیا کشیده اند، زحمتش را کشیده، بزرگش کرده و از آب و گل درش آورده اند. آیا این لطفی است که وظیفه ای را برای او ایجاب کند؟ اگر این پیچک لطیف که خود محصول جوانی ما است بحکم ناتوانی و ظرافت خود را بیامیچید تا بالا رفت باید حالا که جان گرفته از ساقه اش هر چند ناتوان چوب دستسی دوران پیری ساخت؟ و یا از وجودش هر چند توانا دار بست تهیه کرد و تنه خود را بدون اینکه احتیاج به تکیه گاهی داشته باشد هوارش کرد؟ چرا که زمانی در بالا خزیدن یاریش داده ایم و حالا نوبت اوست؟ و یا بعکس به بهانه ناتوانی او و برای ارضاء حس خود خواهی و برای حفظ این وابستگی ها باز با او در آمیزیم و رهایش نکنیم تا برای خود آزادانه بالا رود؟

اگر اینها خود خواهی نیست، وابستگی هم نیست. و اگر معامله پایاپای نیست، محبت مادر و فرزند هم نمی تواند باشد. این دادوستدی است نامتعادل و بر مبنای طرح ریزی و قانونگزاری یک طرفه. این کار نوعی پس انداز نیرو است. نوعی زرنگی و بی انظباطی است که در چهار چوب عواطف انسانی نمی گنجد. این گره کوری است که باید بازش کرد تا نطاب ها شل شود قبل از اینکه، رشته هازیر بار فشار زیاد و بیطور ترسیم ناپذیری ازمم بگسلد. سوء تفاهم نشود چون مطلب حساس تر از آن است که با یکبار خواندن به قضاوت نشسته و احتمالاً چماق تکفیر بلند کنید. اگر مطلب را با دقت و بیش از یکبار

بخوانید مطمئن هستم که چه زن و شوهر، چه مادر و چه فرزند و چه عروس و مادر شوهر چه هر خود را در ورای گفته های این نوشته پیدا خواهید کرد. وابستگی تنها در توقع های بی جا از یکدیگر داشتن نیست. وقت آن رسیده زن یهودی، مادر یهودی هنر به موقع از صحنه خارج شدن را دریابد. اگر حس تشخیص و قدرت تصمیم گیری در فرزند پسر تقویت شده و رشد شخصیت و استقلال فکری در او بوجود آید دیگر لزومی ندارد تا به بهانه بی تجربگی و ناپختگی همسر آینده اش را مادر انتخاب کرده و برنامه زندگی زناشویی او را تا ۵۰ سالگی باو دیکته کند و یا اینکه به بهانه دلسوزی با دخالت های بی جا زندگی زناشویی او را به نابودی بکشد. راهنما و مشاور بودن محبتی است بی پایان و دخالت و حرف خود را بر سرور به کرسی نشاندن خیانتی جبران ناپذیر.

و دخترها - باید خود مختاری را در آنها تقویت کرده و خود کفایی را به آنها آموخت تا دریابند که برای انسان بودن باید روی پایستاد نه اینکه بیک نفر تکیه کرد. این همه مجالس آشنایی و تحقیق قبل از ازدواج، این همه مته به خشخاش گذاشتن ها، و تازه این همه زناشویی های به تار و پسته و یا با چسب های مرئی و نامرئی بهم پیوسته! همه این تلاش هان شان از آن دارد که دختران ما پیچک و جودشان وابسته به پدر و مادر و یا شوهر است و به تنهایی قادر به ادامه حیات نیستند. باید دختر یهودی را از این زبونی و بیچارگی و وابستگی بیش از حد نجات داده و با کمک به رشد شخصیتش از او انسانی کامل ساخت نه اینکه سایه وار دنبالش بود و با کمترین تنه ای که می خورد زیر بازویش را گرفت.

آنچه که برای مادرهای خارجی جزئی از نقش مادری است، اما برای مادرهای ماکاری غیر قابل تحمل است، به موقع خود را از صحنه کنار کشیدن و یا به عبارت دیگر فرزند خود را در جامعه آزاد گذاشتن است. صحبت از بحال خود را کردن و ترک کردن نیست حاضر و ناظر بودن مهم تر از غایب و عامل بودن است. و انگهی زن یهودی، مادر یهودی دیگر نباید آینده اش را بر مبنای وابستگی به فرزند بنا کند. ازدواج فرزندان نه پایان نقشی است و نه آغازگر نقشی دیگر. بلکه ادامه زندگی است و زمان آن فرارسیده که بزرگ کردن نوه ها، وقت و بی وقت سرکشیدن به خانه دختر و پسر، درده «ادامه زندگی» خارج گشته و جایش را به سرگرمی های جالب تر و آموزنده تر و اگر جاسارت نباشد بی آزارتری دهد.

از: نینا استوار



مرکز کاربایی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی
درلوس آنجلس بزرگ

بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاربایی یهودیان امریکایی کماکان درصدد کمک به افرادجویای کارومعرفی آنان به بازارکاراست. این ماه نیزتعداد دیگری ازدوستان ایرانی جویای کاردرمجله شوفاربه صاحبان مشاغل معرفی می شوند تادرسورت لزوم ازاین گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاوردردو مرکزلوس آنجلس و سن فرناندوولسی نام ونشانی وتخصص افرادجویای کاررا در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفارضمن تجلیل ازاین خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای دراختیاراین مرکز غیرانتفاعی می گذارتابه معرفی افرادجویای کاربردازد. درستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کارومهارت های اودرج شده است. درداخل پرانتز حروف اول اسم مشاور که شخص جویای کاررایاری می دهد ذکر شده است. درمقابل برخی ازاسامی مشاوران سه حرف (اس.اف.وی.) نیز چاپ شده است که محل کارآن مشاوررا که درمنطقه سن فرناندوولسی است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغلی که فردموردنیاز خودرادرمیان گروه معرفی شده می یابند می توانند بادفترلوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس.اف.وی.) درمقابل حروف اول نام مشاورنوشته شده باشد با دفترولی تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری ماینست که دوستان عزیزایرانی بامرکز کاربایی وهمچنین نشریه شوفاردراین زمینه همگامی وهمراهی مثبت بکنند تابه آن تعداداز دوستان نیازمند کارخدمت ارزنده ای شود ■

انجمن دوستداران آلیانس اسرائیل اونیورسل - شاخه لوس آنجلس

انجمن دوستداران آلیانس شاخه لوس آنجلس اخیراً تحت ریاست آقای دکتر بن وینستی باحضور جمعی ازاعضاء ایرانی وامریکایی تشکیل جلسه داد وضمن اخذ تصمیماتی چند درباره لزوم همکاری بین جوامع سفاردی مقیم لوس آنجلس ونزدیکی هرچه بیشتر افراد بیکدیگر، اعلام گردید که اولین شب نشینی دوستداران آلیانس درتاریخ سوم ژوئن ۸۴ درسالن مجلل کنیسیای بت ال واقع درکرسنت هایتس برگزار می شود. افرادعلاقه مند می توانند برای کسب اطلاع بیشتر توسط تلفن شماره ۲۶۸-۳۳۴۱ با آقای دکتر بن وینستی تماس حاصل فرمایند.

سازمان نصح اسرائیل

سمینار کنیسیای نصح اسرائیل تحت عنوان، علل جسمی وعاطفی مشکلات جنسی مردان درتاریخ یکشنبه ۲۷ مه ۱۹۸۴ درسالن کنیسیای بت جیکوب برگزار می گردد. سخنرانان این سمینار که ویژه آقایان می باشد آقای دکتر جمشید الیست ودکتر جمشید شوقی خواهند بود. ضمناً سمینار مشابهی برای خانم ها درنظر گرفته شده است که تاریخ ومحل آن بعداً به اطلاع خواهد رسید.

کمیته مشترک جوانان نصح اسرائیل وسیامک

درتاریخ های ۵ و ۱۲ آوریل دوستخهران به ترتیب توسط آقایان الیاس سعادت وربای هر فصل ایلولیان انجام شد وسخترانی های بعدی پس از تعطیلات عید پسخ دنبال خواهد شد.

سازمان بانوان یهودایرانی مقیم لوس آنجلس

- گردهمایی سازمان درروز سه شنبه ۸ می مخصوص اعضاء - آقای دکتر کیومرث بخشنده طی این گردهمایی سخنرانی خواهند داشت.
- بازدید ازموزه هالاکاست درساختمان جوئیش فدریشن - شروع بازدید ساعت ۲ بعدازظهر درساختمان جوئیش فدریشن.
- سازمان درنظر دارد لباسهای مستعمل واحتمالاً نوشما رابه نفع دانشجویان مقیم اسرائیل بفروش برساند - دراین موردبه سازمان مراجعه شود.

گروه جوانان وابسته به مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی (ولی)

دریکشنبه اول ماه آوریل ۱۹۸۴ سازمان اقدام به برگزاری اولین شب هنرمندان آماتور نمود که طی آن دوستان هنرمند عضو سازمان جوانان، خانم سهیلا ونخام نازی وآقایان آلبرت مرادی، منصور وبهنم باسازهای اختصاصی خود به هنرنمایی پرداختند ومورد استقبال فراوان متجاوز از ۲۰۰ نفر از جوانان دختر و پسر حاضر در جلسه قرار گرفتند. سپس دیسکوپارتی گروه جوانان تاپاسی از شب گذشته ادامه داشت.

برنامه ماه مه ۱۹۸۴ گروه جوانان وابسته به مجتمع یهودیان ایرانی

یکشنبه ۲۰ مه (مقارن باروز ۳۳ عمر): روز بیک نیک همگانی.
محل: تمسکال کانیون پارک واقع در منطقه مالیومجاوردریا.
چهارشنبه ۳۰ مه: شب شعر درمعیروتیمپل همراه بابزم شاعرانه.

دوستداران ایرانی سیتی آف هوپ

مجمع عمومی آینده دوستداران سیتی آف هوپ روز سه شنبه ۲۲ مه از ساعت ۷ بعدازظهر درآمی تآثر کتابخانه شهرسائتامونیکا برگزار می گردد.



انجمن هاوسازمانها



سازمان هیلل ایرانیان

۱۴ مه: ملو ملکا - ساعت ۸/۵ شب درهیلل.
یکشنبه ۲۲ مه: پیک نیک در روستیک کانیون پارک. حرکت رأس ساعت ۱۰/۵ از هیلل.

دوشنبه ۲۳ مه: گردهمایی و بحث آزاد - ساعت ۷/۵ شب - هیلل.
یکشنبه ۲۹ مه: بازدید از مایجیک ماتن - حرکت رأس ساعت ۱۰/۵ از هیلل. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۰۸-۳۰۸۳ - با هیلل ایرانیان تماس بگیرید.

عین نامه رسیده از سازمان سیامک راذیلاً درج می نماید

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک)

تاریخ: آپریل ۹، ۱۹۸۴

شماره: ۲۹۸

با وجودی که چندسال از مهاجرت ما به آمریکا می گذرد هنوز نه تنها خطراتی که فرهنگ و هویت قومی و ملی ما را تهدید می کرده از میان نرفته است، بلکه مسایل و مشکلات بیشتر و متعددی نیز به آن اضافه شده است. و با توجه به این که کلیه سازمان های یهودی ایرانی هر کدام به نوبت خود سعی در حل آنها داشته اند، کم و بیش کمتر موفق به رفع و دفع این مشکلات شده اند. از جمله این مسایل نبودن آموزش صحیح جهت فرزندان ما و خالی بودن جای راهنمایانی جهت تحکیم موازین قومی و اجتماعی در میان جوانان می باشد. و با توجه به جامعه بسیار پیشرفته و صنعتی آمریکا که خیلی زود شاید از سنین ۱۱-۱۲ پرورش و تربیت اجتماعی فرزندان ما را تحت تاثیر قرار می دهد، بسیار مشکل خواهد بود که کنترل فرزندان را در آغوش خانواده استوار نمود بطوریکه حتی در شکل بخشیدن به شخصیت فرزندان خود نیز آنقدر ها کنترل در اختیار مان خواهد بود اینجاست که با تشکیل مدارس خصوصی علیه جذب گروهی ^{Mass} Assimilation می توان مبارزه نمود، به طوری که اقلیت های قومی دیگر نیز در آمریکا چنین کردند و از طریق همین کلاسها و امکانات مذهبی می توان تا حدودی در تانم آینده قومی و ملی خود موثر واقع شد. با وجودی که سازمان های یهودی ایرانی به منظور پایه گذاری این گونه مؤسسات فعالیت هایی نموده اند معهدا سازمان سیامک با وجود تایید این اقدامات اعتقاد دارد، که جهت تحقق بخشیدن به حفظ فرهنگ و تربیت قومی و ملی خودمان ایجاد برنامه های کوتاه مدت «برای نوجوانان لازم و بسیار مفید و موثر خواهد بود، از این رو و با این اعتقاد و ایمانی که در تک افراد این سازمان وجود دارد تصمیم گرفته شد که با پیروی از اهداف ذکر شده طی یک برنامه تابستانی که تحت سرپرستی خانم نازی نظریان و آقای دکتر ایزک نور محمودی قرار خواهد داشت اقدام به حل این مشکل نماید بدین منظور این موقعیت را برای نوجوانان بین ۱۳ - ۱۵ سال بوجود می آوریم که طی برنامه های چند هفته ای در تعطیلات تابستانی سال ۱۹۸۴، از کلیه والدین صمیمانه دعوت بعمل آوریم که فرزندان خود را جهت شرکت در این کلاسها که البته تفریحات سالم هم در آن پیش بینی شده است تشویق و ترغیب نموده و با اعتقاد به اینکار نقشی در حل این قبیل مشکلات اجتماعی ایفاء کرده باشند. با امید روزی که جامعه ما با لطف پروردگار دارای مدارس و کتیسها و سایر موسسات متشکل گردد.

سازمان هنری و فرهنگی ایرانیان

سازمان فرهنگی و هنری ایرانیان در روز یکشنبه ۶ مه ۱۹۸۴ نمایشگاهی از آثار هنری هنرمندان ایرانی در محل هیلل ایرانیان واقع در شماره ۹۰۰ خیابان هیلگارد برگزار می کند. از عموم علاقه مندان به آثار هنرمندان ایرانی دعوت می شود تا از این نمایشگاه که از ساعت ۳ تا ۹ بعد از ظهر دایر است دیدن فرمایند. ورودیه نمایشگاه برای همه آزاد است. پذیرایی کوکتل.



JEWISH VOCATIONAL SERVICE
of LOS ANGELES

S.F.V. 907-5506

L.A. 655-8910

Financial, Mehrdad M: Budget and accounting experience, speaks English. (SS)

Dental Assistant, Roya Y: Speaks English and Hebrew. (SS)

Clerical, Nahid M: Hard worker, speaks English. (SS)

Chemical Quality Control, (not limited to this), Iraj S: Also management and manufacturing experience, speaks English. (SS)

Teachers Aide, Esther M: Child development classes. Local experience. (DT)

Computer Programmer, Bijan M: BS degree from California University. Local experience. (DT)

Counterperon, Solemon S: Experienced as a manager of dry-cleaning stores. Will work in any capacity. Excellent English. (VS)

Cashier, Lena R: American educated, would like a sales or cashiering position, fluent English. (VS)

Any Work, Arsal A: Very sincere middle-aged man. Eager to work in any shop/company. Can do stock, mail-room, etc. (GW)

Chemist, Farha D: Lab/production setting preferred. Highly qualified. (GW)

Mechanical Engineer, Kamran M: Entry level drafting. (GW)

Handyman or kitchen worker, Isaac K: Good English; quick thinker. Sharp, Family man. Desperate need of work. (LS)

Salesman/Cashier or Stockperson, Babak N: Young man. In L.A. for 1 year. 6 years experience (sales) in Iran. Very eager to learn.

Receptionist or Alterations, Rahel S: Beautiful young woman in desperate need of work to support 3 children. Very willing, bright. Can learn anything. (LS)

Hospital Related, Shahnaz D: MD. in Iran, waiting for US licence. Looking for related MD experience in hospital-lab. Fellowship or visiting MD. (RB-SFV)



روزیکشنبه ۱۵ آوریل ۱۹۸۴ سالن سنجری پلازا هتل شاید یکی از مجلل ترین وباشکوهترین جشنهایی بود که از طرف فدراسیون برگزار گردیده بود. این جشن که با استقبال فراوان روبرو شده بود تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت و همه شرکت کنندگان باخاطره خوشی سالن هتل را ترک کردند. فدراسیون مجدداً لازم می داند از فعالیت وزحمات کمیته جشنها بخصوص آقای الیاس اسفندی سرپرست کمیته و خانم ها الیاسیان، یونسی و آقاییان سخانی و نظریان اعضاء کمیته که بدون نظاهر و با کمال صمیمیت این جشن باشکوه را ترتیب داده اند سپاسگزاری نماید و خاطرنشان می سازد که کلیه اعضاء کمیته جشن ها و سایر فروشندگان بلیط های جشن این فعالیت اجتماعی را افتخاراً عهده دار هستند و به هیچ وجه من الوجوه پاداشی دریافت نمی دارند.

مراسم دیدو بازدید عید پسخ

به مناسبت فرارسیدن عید پسخ مراسم دیدو باز دیدی از طرف فدراسیون و سازمان های وابسته، سازمان کنسای نصح اسرائیل، سازمان کنسای ولی، سازمان فرهنگی یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا، سازمان بانوان، سازمان سیامک در سالن سنجری پلازا برگزار گردید. این مراسم فرصتی بود برای بیش از چندین هزارتن از خواهران و برادران، که بتوانند در یک محیط پراز صفا و صمیمیت عید پسخ را به همدیگر تبریک بگویند و همبستگی و پیوند خود را بایکدیگر که یکی از اهداف های فدراسیون و سازمان های وابسته است ابراز دارند.



سازمان فرهنگی صفارادی - اورشلیم

برنامه مسافرت به کشور اسرائیل و بازدید از مراکز فرهنگی، صنعتی و نقاط مختلف این کشور در سال جاری از طرف مرکز فرهنگی صفارادی ها در اورشلیم برگزار خواهد گردید. برای هرگونه اطلاع بیشتر به تلفن های شماره ۶۵۳-۷۳۶۵ یا ۶۵۱-۳۱۰۸ (۲۱۳) تماس حاصل فرمایند.

وقایع تاریخی و مذهبی یهودی

ماه نیشان ۵۷۴۴

(برابر با سه شنبه سوم آوریل تا چهارشنبه دوم ماه مه ۱۹۸۴)

ماه نیشان در تورات تحت عنوان ماه بهار و در تلمود بعنوان ماه شاهان و ماه اعیاد ذکر شده است. واقعه تاریخی نجات قوم اسرائیل اسارت مصر و خروج دسته جمعی قوم از سرزمین مصر که یک دوران راه پیمایی چهل ساله را در بیابان سینا بدنبال داشت در ماه نیشان روی داد. سراسر ماه نیشان از جمله ایام سال است که طی تفیلاهی صبحگاهی (شحریت) و نیز تفیلاهی بعد از ظهر (مینحا) از خواندن بخش «و یدوی» خودداری می شود.

اول نیشان برابر با سوم آوریل ۸۴: سالروز ملت «تاداو» و «ایهوه» پسران حضرت اهرن، کهن گادول مأمور کهنانت در میشکان مقدس.

اول نیشان ۳۳۴۳ (۲۴۰۱ سال قبل): آخرین نبوت حضرت حزقیل نبی.

سوم نیشان (برابر با پنجم آوریل ۱۹۶۷): هفدهمین سالگرد درگذشت دکتر هرمان ژوزف مولر، دانشمند یهودی اهل امریکا که در سال ۱۸۹۰ متولد شد و جایزه طب نوبل را در سال ۱۹۴۶ میلادی از آن خود ساخت.

پنجم نیشان (برابر با هفتم آوریل ۱۹۳۶): چهل و هشتمین سالگرد درگذشت دکتر رابرت بارانی دانشمند یهودی اهل اطریش، متولد سال ۱۸۷۶ و برنده جایزه طب نوبل در سال ۱۹۱۴ میلادی.

دوازدهم نیشان ۲۴۴۸ عبری (برابر با شنبه ۱۴ آوریل): یادبود آخرین شبانی که قوم اسرائیل قبل از خروج از مصر در آن کشور گذراند و بنام «شبات گادول» خوانده می شود.

چهاردهم نیشان (برابر با شانزدهم آوریل): روز قبل از عید پسخ که به شکرالله مصون بودن افراد اسرائیل از همدین ضرر به ای که خداوند به مصریان وارد آورد، نخست زادگان ذکور طی آن روز روزه می گیرند. مهذاچنانچه اینگونه افراد در روز ۱۴ نیشان در مراسم «شبوعا براخوت» و یژه عقدکنان، و یا مراسم «بریت میلا» حضور داشته باشند و یاد مراسم اختتام بخشی آزمایشنا طی تفیلاهی شحریت در کنیساها شرکت کنند عقیده بر این است که می توانند از تعنیت خودداری کنند.

پانزدهم نیشان (برابر با هفدهم آوریل ۸۴): اولین روز از ایام هشت روزه موعد پسخ که طی دوشب اول آن مراسم «مدر» برگزار می شود و از جمله این مراسم قرائت تاریخچه خروج بنی اسرائیل از مصر و ذکر معجزاتی است که خداوند توسط حضرت موسی برای وادار کردن فرعون به موافقت با آزادی قوم یهود از اسارت مصر انجام داد. خروج قوم اسرائیل از مصر به رهبری حضرت موسی در سال ۲۴۴۸ عبری یعنی ۳۲۹۶ سال قبل بوقوع پیوست.

شانزدهم نیشان (برابر با هجدهم آوریل): اولین روز از ایام عومر به مدت ۷ هفته. کلمه عومر عطف به واحدی است که جهت اندازه گیری محصول غله هنگام آبادی معبد مقدس مورد استفاده قرار می گرفته است و هر یک از افراد مشمول سهمیه خود را برای امور خیریه تحویل می داده است.

شانزدهمین نیشان (برابر با ۱۸ آوریل): نوزدهمین سالگرد درگذشت آلبرت اینشتین فیزیک دان، ریاضی دان و دانشمند نابغه یهودی که در سال ۱۸۷۹ میلادی در آلمان متولد شد و پس از عمری خدمت تاریخی بعالم دانش و وضع فرضیه معروف نسبیت در سال ۱۹۵۵ در امریکا درگذشت.

هجدهم نیشان ۳۷۸۹ عبری (۱۹۵۵ سال قبل): سالروز تصلیب حضرت مسیح بفرمان



ژورنال جوانان ولی

«ژورنال جوانان ولی» که تحت این عنوان یک یکسال قیل باهمت و پشتکارتنی چندجوانان داوطلب هر هفته مرتب منتشر شده و باانتشار اخبار مربوط به دنیای یهود طی ۵۰ شماره گذشته مورد استقبال روزافزون همکیشان مقیم لوس آنجلس و حتی نیویورک و شیکاگو قرار گرفته، به مناسبت حلول عید پسخ شماره ۵۱ راشماره و ویژه اعلام نموده و تحت عنوان تازه: «تیکوا» در دسترس علاقه مندان قرار گرفته. در سرمقاله این شماره مخصوص آمده است: «به دلیل این که جوانان امید جامعه بوده و این گروه متعلق به تمام جوانان یهودی ایرانی است، نام «تیکوا» که در زبان عبری به معنی «امید» می باشد برای آن در نظر گرفته شده است.»

شوفار برای گروه جوانان «تیکوا» و سایر سازمان های جوانان فعال لوس آنجلس آرزوی موفقیت با زهم بیشتر در راه خلعت به جامعه و یهودیت می کند.

پونتوس پيلات که از سوی تیریسوس امپراطور روم به مقام حکمرانی فلسطین گمارده شده بود.

بیست و یکم نisan ۲۴۴۸ عبری: سالروز معجزه الهی هنگام خروج بنی اسرائیل از مصر که طی آن انبوه چند صد هزار نفری قوم توانست از میان دریای احمر که آبهای آن بصورت دودیوار عظیم درآمد بود عبور کنند و هنگامی که لشگریان مصری بدنبال آنان وارد دریا شدند آنها یکباره و بجای خود بازگشت و نیمه افراد مصری غرق شدند.

بیست و سوم نisan (۲۵ آوریل ۸۴): روز پس از عید پسخ که بنام «ایسروهگ» خوانده می شود و به تقلید از سیزده بدر که سیزدهمین روز نوروز برگزار می شود افراد ساعتی از روز را به گردش و تفریح در باغ و صحرا می گذرانند.

بیست و ششم نisan ۲۵۰۲ عبری: سه هزار و دو پست و چهل و دومین سالگرد رحلت حضرت یوشع بن نون که پس از رحلت حضرت موسی رهبری قوم اسرائیل و هدایت آنان بدرون ارض موعود به وی سپرده شد و در سال ۲۵۰۲ در سن ۱۱۰ سالگی دارفانی را وداع گفت.

بیست و هفتم نisan (برابر با یکشنبه ۲۹ آوریل ۸۴): برگزاری مراسم یادبود بمناسبت فاجعه کشتار ۶ میلیون یهودی طی جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) توسط رژیم هیتلر و عوامل وابسته به آن. این روز را دولت اسرائیل پس از اعلام استقلال خود بعنوان روز فاجعه تعیین و اعلام نمود، و طی آن همه ساله در کشور اسرائیل و در اغلب کشورهای جهان آزاد مراسم دعا برای شادی روح شش میلیون شهیدان فاجعه جنگ جهانی دوم انجام می شود. هرگز انسانها این عمل وحشیانه نازیها را فراموش نکرده و چنین اعمالی ب فکر هیچکس خطور نمی کند.

سی ام نisan (برابر با دوم ماه مه ۸۴): آخرین روز ماه نisan و اولین روز روش خودش ایار که دوروزه خواهد بود و همراه باروز اول ایار برابر با سوم ماه مه ۸۴ مراسم و ویژه آن برگزار می گردد.

تهیه و تنظیم: الیاس اسحقیان

یهود باید این واقعه دردناک را برای همیشه به خاطر داشته باشد، زیرا که آگاهی از تاریخ این دوره ملت یهود این واقعیت را به یاد می آورد که یک فرد یهودی نمی تواند یهودی بودن خود را فراموش کند و در غیر این صورت دیگران بسادردناکترین راهها این موضوع را به او یادآوری خواهند نمود. و همانطور که در زمانی چون نیمه قرن بیستم و در قاره اروپا و ملتس چون ملت آلمان که از نظر صنعت، تکنیک، فرهنگ و ادب سرآمد سایر ملل بود برای نابودی ملت یهود چنان وسایل و ابزار وحشتناکی اختراع و ابداع نمود که تنها می توانند زاینده مغزهای اهریمنی باشند و نه افکار انسان هایی باتمدن. این نوجوانان می آموزند که ملت یهود نمی تواند منتظر باشد که تمدن و پیشرفت صنعت دردناک باعث شناخت موجودیت ملت یهود گردد، بلکه تنها خود یهودیان با آگاهی و آموزش سنن و فرهنگ خود می توانند مانند یک یهودی با افتخار زندگی کنند و از تکرار این فاجعه ها جلوگیری نمایند.

سارا اسحقیان



در این مراسم سران کشور اسرائیل و همچنین عده ای از بازماندگان این فجایع وحشتناک همراه با بستگان کشته شدگان در این فاجعه شرکت می کنند و یاد ۶ میلیون انسان هایی را که تنها به گناه متعلق بودنشان به ملت یهود بیرحمانه شکنجه داده شده و کشته شده اند گرامی می دارند.

به غیر از این مراسم، در مدارس اسرائیل نیز طی نمایش فیلم ها و گفتگوهایی در این زمینه به نوجوانان اسرائیل که تنها یک یادونسل پس از این دوره سیاه تاریخ ملت یهود زندگی می کنند تشریح می شود که ملت

روز بیست و هفتم ماه نisan که امسال برابر با بیست و نهم آوریل می باشد در کشور اسرائیل به نام «روز فاجعه» نامیده می شود که همه ساله در این روز به یاد قربانیان فجایع نازیها در جنگ جهانی دوم مراسم مخصوصی برگزار می شود.

برگزاری این مراسم موزه «یادواشم» یا «موزه یادبود» واقع در اورشلیم است. در این موزه عکس ها و مدارکی گردآوری شده اند که گوشه ای از کشتار بیرحمانه ۶ میلیون یهودی اروپایی بوسیله آلمانی های هیتلری را نشان می دهند.

اولین مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی

اینک از خواهران و برادران عزیز انتظار و تقاضا دارد با خرید هر تعداد از اوراق قرضه مذکور که در قدرشان می باشد نمونه ای از آن ذیلاً بنظرشان می رسد اولاً در احداث اولین مجتمعی که متعلق به همه افراد اجتماعی می باشد و محل آبرومندی خواهد بود برای برگزاری اجتماعات و مراسم شادی، تشکیل سمینارها و ایجاد کلاسهای تدریس عبری، احداث کتابخانه ای مجهز و درمانگاهی سرپائی برای افراد نیازمند و باشگاهی ورزشی برای جوانان و نیز سالیانه بعنوان کنیسا، شرکت نمایند و ثانیاً در به ثمر رسانیدن این هدیه به صیون سهمی با ارزش و غیر قابل توصیف داشته و برای خود و عزیزان نامی نیک و جاویدان به یادگار گذارند.

لطفاً جهت دریافت تعداد اوراق قرضه مورد احتیاج خود و کسب توضیحات بیشتر و جامع تر با خدمتگزاران مجتمع فرهنگی و یا با تلفن ۷۰۸-۸۴۲۸-۲۱۳ دفتر مجتمع فرهنگی (انجمن ولی) تماس حاصل فرمائید.

بطوری که قبلاً به استحضار عموم همکیشان ارجمند رسید، بدنبال احساس لزوم تأسیس یک مجتمع فرهنگی - مذهبی که جوابگوی احتیاجات روزافزون خواهران و برادران یهودی ایرانی مقیم جنوب کالیفرنیا باشد، با تصویب بالا توافق نمایندگان کلیه سازمانهای یهودی ایرانی لوس آنجلس، خدمتگزاران انجمن ولی بالطف الهی و کمک عموم خواهران و برادران گرامی و با صرف ماهها وقت جهت کسب اجازه مقامات رسمی شهرداری، موفق شدند قطعه زمینی رابه مساحت تقریبی ۶۵۰۰۰ فیت مربع در ماه ژانویه گذشته به مبلغ ۴۹۰ هزار دلار خریداری کنند.

پس از مطالعات فراوان و با تصویب کلیه اعضاء، انجمن مجتمع فرهنگی تصمیم گرفت به منظور جمع آوری وجوه لازم جهت تأدیه وام زمین و آغاز هر چه زودتر بنای مجتمع، اقدام به نشر اوراق قرضه بدون بهره ۲۶۰ دلاری، ۵۲۶ دلاری و ۱۰۲۶ دلاری بنماید. که رأس چهار سال یعنی دهم فوریه ۱۹۸۸ باز پرداخت خواهد شد و وثیقه آن عرضه اعیان مجتمع خواهد بود.

STATE TAX I.D. D-0992820

FEDERAL TAX I.D. 95-3761388

\$526.00

ON FEBRUARY 10, 1988

FEBRUARY 10TH, 1984

IRANIAN JEWISH CULTURAL CENTER (WITHOUT GRACE), PROMISES TO PAY TO THE ORDER OF _____

FIVE HUNDRED TWENTY SIX DOLLARS. FOR VALUE RECEIVED WITHOUT INTEREST AT LOS ANGELES, CALIFORNIA, PRINCIPAL PAYABLE IN LAWFUL MONEY OF THE UNITED STATES.

PRES.

V. PRES.

V. PRES.

SECY. TREAS.

DUE FEBRUARY 10, 1988

NO. B



FARD INC.

General Contractors
Developers

شرکت ساختمانی فرد



اطمینان - تجربه - نازلترین قیمت - مدت تحویل
چهار اصل غیرقابل رقابت در شرکت "فرد" میباشد

فعالترین شرکت ساختمانی ایرانی در کالیفرنیا
با همکاری مهندسين با سابقه ایرانی و
همکاران امریکائی

Cal State Lic # 396212

Residential - Commercial Remodeling

مشاوره و برآورد اولیه در محل
مجانی است



تعمیرات و نوسازی ساختمانهای مسکونی و تجارتي
برآورد، طرح و محاسبات اقتصادی پروژه
هماهنگی امور طراحی، آرشیکت، مهندسی و تفکیک
اخذ وام و پروانه‌های مختلف ساختمانی
تسکيل پروژه‌های سرمایه‌گذاری ساختمانی
اجرای کامل پروژه‌های ساختمانی

(213) 820-4805

(213) 828-0750

طرح و نصب انواع DECK

12304 Santa Monica Blvd., Suite 218
Los Angeles, CA 90025

بدون مخارج اولیه

بدون مخارج اولیه

Law Offices of
Denise Breakman Naghi

291 S. La Cienega Blvd., No. 210
Beverly Hills, CA 90211

دفتر وکالت دنیس ناگی

• مهاجرت و تابعیت

۲۸۲۵ ۶۵۷ (۲۱۳)

• تصادفات اتومبیل



در دفتر حقوقی دنیس ناگی اول: حق شما دریافت می گردد، بعد
شما حق وکاله می بردارید.

در امور تصادفات اتومبیل، میزان حق وکاله ای که به دفتر حقوقی مامی بردارند
نسبت به حق وکاله معمول در امریکا فوق العاده کم تر است

برای کسانی که این تبلیغ را یادآوری نمایند
باهمکاری مترجم
فارسی زبان

تلفن ۲۴ ساعته
۲۸۲۵-۶۵۷ (۲۱۳)
مشاوره اولیه رایگان است

شب ها و روزهای آخر هفته،
باتعین وقت قبلی

BULK RATE
U.S. POSTAGE
PAID
Van Nuys, Ca.
Permit 431

SHOFAR
IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd, Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048
ADDRESS CORRECTION
REQUESTED: